

فهرست

بخش چهارم (سبک‌شناسی)

- پایه دهم
- درس پنجم: زبان و ادبیات پیش از اسلام ۱۵۹
- درس ششم: شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی ۱۶۳
- درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی دوره اول (سبک خراسانی) ۱۷۱
- درس هشتم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم ۱۸۱
- درس نهم: سبک و سبک‌شناسی دوره دوم (سبک عراقی) ۱۸۷

- پایه یازدهم
- درس یکم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۷، ۸ و ۹ ۱۹۳
- درس چهارم: سبک‌شناسی قرن‌های ۷، ۸ و ۹ (سبک عراقی) ۲۰۲
- درس هفتم: تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های ۱۰ و ۱۱ ۲۰۹
- درس دهم: سبک‌شناسی قرن‌های ۱۰ و ۱۱ (سبک هندی) ۲۱۶

بخش پنجم (قرابت و ارتباط معنایی)

- پایه دهم
- قرابت و ارتباط معنایی ۲۲۷
- پایه یازدهم
- قرابت و ارتباط معنایی ۲۳۳

پاسخ‌نامه

- پاسخ‌نامه تشریحی ۲۴۴
- پاسخ‌نامه کلیدی ۲۹۹

بخش اول (کلیات)

- پایه دهم
- درس یکم: مبانی علوم و فنون ادبی ۸
- درس دوم: بررسی و طبقه‌بندی آثار ۱۳
- درس‌های سوم و چهارم: کالبدشکافی متن (شعر و نثر) ۱۹

بخش دوم (عروض و قافیه)

- پایه دهم
- درس دهم: سازها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی ۲۵
- درس دوازدهم: قافیه ۲۹
- درس‌های یازدهم و سیزدهم: هماهنگی پاره‌های کلام - وزن شعر فارسی ۳۸

- پایه یازدهم
- درس دوم: پایه‌های آوایی ۵۴
- درس پنجم: پایه‌های آوایی همسان (۱) ۶۱
- درس هشتم: پایه‌های آوایی همسان (۲) ۷۳
- درس یازدهم: پایه‌های آوایی همسان دولختی ۸۸

بخش سوم (آرایه‌های ادبی)

- پایه دهم
- درس چهاردهم: واج‌آرایی، واژه‌آرایی ۹۹
- درس پانزدهم: سجع و انواع آن ۱۰۵
- درس شانزدهم: موازنه و ترصیع ۱۱۱
- درس هفدهم: جناس و انواع آن ۱۱۶

- پایه یازدهم
- درس سوم: تشبیه ۱۲۶
- درس ششم: مجاز ۱۳۶
- درس نهم: استعاره ۱۴۳
- درس دوازدهم: کنایه ۱۵۳

قافیه

چون درس ۳ مقفله‌ای پر درس ۱۱ هست اول درس ۳ رو می‌آریم -

وزن و تأثیر آن در زیبایی شعر

- «شعر» سخنی خیال‌انگیز، موزون و سرشار از عاطفه و احساس است.
- وزن** — به شعر زیبایی می‌بخشد و آن را شورانگیز و اثرگذار می‌سازد.
- اگر وزن شعری را به هم بزنیم: **۱** زیبایی و شورانگیزی‌اش را تا حد زیادی از دست می‌دهد. **۲** از زیبایی و تأثیر آن کاسته می‌شود. **به این مثال‌ها نگاه کن:**

- مثال ۱** آب زیند راه راه هین که نگار می‌رسد
مژده دهید باغ راه بوی بهار می‌رسد
- ⊕ اگر وزن این شعر را به هم بزنیم و کلماتش را جابه‌جا کنیم، زیبایی و شورانگیزی‌اش را از دست می‌دهد؛ به این صورت:
- هین، راه را آب زیند که نگار می‌رسد
باغ را مژده دهید بوی بهار می‌رسد
- مثال ۲** دانه چو طفلی است در آغوش خاک
روز و شب این طفل به نشو و نماست
- ⊕ اگر وزن این بیت را به هم بزنیم و کلماتش را جابه‌جا کنیم، زیبایی و شور اولیه‌اش را از دست می‌دهد؛ به این صورت:
- دانه چو طفلی در آغوش خاک است
این طفل روز و شب به نشو و نماست

قافیه

واژه‌های هم‌آهنگ و غیرتکراری پایان مصراع‌ها و ابیات است که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک باشد؛ **ضمن این‌که**، به حرف یا حروف مشترک آخر واژه‌های قافیه، «حروف قافیه» گفته می‌شود.

- مثال ۱** ای چشم تو دلفریب و **جادو**
در چشم تو خیره چشم **آهو**
- ⊕ واژه‌های هم‌قافیه: جادو، آهو / حروف قافیه: مصوت بلند «و»
- مثال ۲** نامدگان و رفتگان از دو کرانه **جهان**
سوی تو می‌دوند هان، ای تو همیشه در **میان!**
- ⊕ واژه‌های هم‌قافیه: جهان، میان / حروف قافیه: ان
- مثال ۳** عشق او باز اندر آوردم به **بند**
کوشش بسیار نامد **سودمند**
- ⊕ واژه‌های هم‌قافیه: بند، سودمند / حروف قافیه: ن - ند

تأثیر قافیه در زیبایی شعر

قافیه: یکی از لوازم و ضروریات شعر است که - در کنار وزن، تخیل و عاطفه - بر زیبایی شعر و به ویژه بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید؛ **به گونه‌ای که**، اگر قافیه بیت را تغییر دهیم و کلمه دیگری را جایگزین آن کنیم، بیت، زیبایی و خوش‌آهنگی اولیه‌اش را از دست می‌دهد و ضرابهنگ موسیقایی و طنین پایانی سخن هم از بین می‌رود.

- مثال ۱** یا ربا! سببی ساز که یارم به **سلامت**
بازآید و برهاندم از بند **ملاحت**
- ⊕ با تغییر دادن قافیه، زیبایی و خوش‌آهنگی بیت از بین می‌رود؛ به این صورت:
- یا ربا! سببی ساز که یارم به سلامت
بازآید و برهاندم از بند **غریبی**
- پس «قافیه»، تا حد خیلی زیادی توی موسیقی و آهنگ کلام تأثیر داره.

ردیف

کلمه یا کلماتی است که پس از واژه‌های قافیه، عیناً در یک لفظ و معنی تکرار می‌شود.

- مثال ۱** شب عاشقان بی‌دل چه شبی دراز **باشد**
تو بیا کز اول شب، در صبح باز **باشد**
- ⊕ ردیف: باشد / واژه‌های قافیه: دراز، باز / حروف قافیه: از

مثال ۲ من خلق شدم تا که پریشان تو باشم دیوانه و سرگشته و حیران تو باشم

⊕ ردیف: تو باشم / واژه‌های قافیه: پریشان، حیران / حروف قافیه: ان

مثال ۳ سال‌ها دل طلب جام از ما می‌کرد و آنچه خود داشت، ز بیگانه تعماً می‌کرد

⊕ ردیف: می‌کرد / واژه‌های قافیه: ما، تمناً / حروف قافیه: مصوت بلند «ا»

مثال ۴ غمعت در نهان خانه دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

⊕ ردیف: نشیند / واژه‌های قافیه: دل، محمل (: مه‌د، کجاوه) / حروف قافیه: - ل

نکته ۱

وجود «قافیه» در شعر، الزامی اما وجود «ردیف» اختیاری است؛ به عبارتی: ممکن است شعری «ردیف» نداشته باشد؛ که در این صورت، آخرین واژه‌های هم‌آهنگ مصراع‌ها و ابیات که حرف یا حروف پایانی‌شان مشترک باشد، واژه‌های قافیه به شمار می‌روند.

مثل تمام نمونه‌هایی که برای «قافیه» آورده بودیم، یا این بیت:

مثال چنین داد پاسخ فریدون که تخت نمآند به کس جاودانه نه بخت

⊕ ردیف: - / واژه‌های قافیه: تخت، بخت / حروف قافیه: - خت

نکته ۲

«شُت» مخفّف «است»، اگر بعد از واژه‌های قافیه که به مصوت بلند «ا» و «و» ختم شده‌اند بیاید، «ردیف» به شمار می‌رود؛ مانند: «شُت» در پایان واژه‌هایی چون «برپاست، رواست، بلاست، ماجراست ... نیکوست، بدخوست، آهوست، اوست و ...»؛ اما: نباید واژه‌هایی مثل «خاست (= برخاست)، کاست، راست (: درست، مستقیم)، ماست ... دوست، پوست و ...» را از این دسته شمرد، زیرا «شُت» در این واژه‌ها جزء اصلی واژه است و مخفّف «است» نیست.

مثال سلسله موی دوست حلقه دام بلاست هر که در این حلقه نیست، فارغ از این ماجراست

⊕ ردیف: شُت (= است) / واژه‌های قافیه: بلا، ماجرا / حروف قافیه: مصوت بلند «ا»

نکته ۳

گاه واژه قافیه در یکی از مصراع‌ها یک‌جزئی (ساده) و در مصراع دیگر، دوجزئی (مرغّب یا مشتق) است؛ در این صورت: واژه مرغّب یا مشتق، به صورت یک‌جا واژه قافیه است و با واژه قافیه در مصراع دیگر، هم‌قافیه می‌شود.

مثال ۱ نفس یاد صبا مشک‌فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

⊕ ردیف: خواهد شد / واژه‌های قافیه: مشک‌فشان (واژه مرغّب)، جوان / حروف قافیه: ان

مثال ۲ منم که دیده به دیدار دوست کردم باز چه شکر گویمت ای کارساز بنده‌نواز!

⊕ ردیف: - / واژه‌های قافیه: باز، بنده‌نواز (واژه مرغّب) / حروف قافیه: از

مثال ۳ در غم ما روزها بی‌گاه شد روزها با سوزها همراه شد

⊕ ردیف: شد / واژه‌های قافیه: بی‌گاه (واژه مشتق)، همراه (واژه مشتق) / حروف قافیه: اه

نکته ۴

گاه واژه‌های قافیه با هم «جناس تام یا همسان» دارند؛ مثلاً: از نظر تلفظ و نوشتار، یکسان ولی در معنا متفاوت‌اند؛ مثلاً: نباید آن‌ها را به اشتباه «ردیف» به شمار آورد؛ زیرا شرط وجود ردیف در شعر این است که واژه‌های ردیف، هم ظاهر و هم معنای یکسان و مشابه داشته باشند (عیناً در پایان مصراع‌ها تکرار شوند).

مثال ۱ هر کس که نهد پای بر آن خاک سر کو ذکوش همه این است که گم گشته دل کو

⊕ ردیف: - / واژه‌های قافیه (جناس همسان): کو (کوچه، محله)، کو (کجاست) / حروف قافیه: مصوت بلند «و»

مثال ۲ غم خویش در زندگی خور که خویش به مرده نپردازد از حرص خویش

⊕ ردیف: - / واژه‌های قافیه (جناس همسان): خویش (خویشاوند)، خویش (خود) / حروف قافیه: یش

مثال ۳ ز هر ناحیت، کاروان‌ها روان به دیدار آن صورت بی‌روان

⊕ ردیف: - / واژه‌های قافیه (جناس همسان): روان (رونده و جاری)، روان (روح و جان) / حروف قافیه: ان

تواعد قافیه

حذاقل حروف مشترک لازم برای قافیه، تابع ۲ قاعده است؛ تلفظ معنایی: تمامی واژه‌های قافیه، براساس ۲ قاعده کلی ساخته می‌شوند؛ به این صورت، قاعده ۱: هر یک از مصوت‌های بلند «ا» و «و» به تنهایی، اساس قافیه (حروف مشترک در واژه‌های قافیه) قرار می‌گیرند؛ به عبارت ساده‌تر: بر طبق این قاعده، واژه‌های قافیه به مصوت بلند «ا» و «و» ختم می‌شود.



مثال ۱ آمدی جانم به قربانت، ولی حالا چرا؟! بی وفا! حالا که من افتاده‌ام از پا چرا؟! **+**

ردیف: چرا / واژه‌های قافیه: حالا، پار / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

مثال ۲ کی رفته‌ای ز دل که تَمَنّا کنم تو را؟! کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را؟! **+**

ردیف: کنم تو را / واژه‌های قافیه: تمنا، پیدار / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

مثال ۳ یار بد مار است، هین بگیریز از او تا نریزد بر تو زهر آن زشت‌خو **+**

ردیف: / واژه‌های قافیه: او، زشت‌خو / حروف قافیه: مصوّت بلند «و» (طبق قاعده ۱)

قاعده ۲: یک مصوّت (چه مصوّت کوتاه «ا، ی، و» یا یک یا دو صامت پس از خود، اساس قافیه (حروف مشترک در واژه‌های قافیه) قرار می‌گیرد؛ **به عبارت ساده‌تر:** واژه‌های قافیه به «یک مصوّت + یک یا دو صامت» ختم می‌شود؛ به این صورت: «مصوّت + صامت» یا «مصوّت + صامت + صامت».

مثال ۱ به خودم آمدم انگار تویی در من بود این کمی بیشتر از دل به کسی بستن بود **+**

ردیف: بود / واژه‌های قافیه: من، بستن / حروف قافیه: ن (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۲ ای منتخب ناز دلم! صبح به خیر ای دلبر ممتاز دلم! صبح به خیر **+**

ردیف: دلم صبح به خیر / واژه‌های قافیه: ناز، ممتاز / حروف قافیه: از (مصوّت بلند + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۳ نکونام و صاحب‌دل و حق‌پرست خط عارضش خوش‌تر از خط دست **+**

ردیف: / واژه‌های قافیه: حق‌پرست، دست / حروف قافیه: ت ست (مصوّت کوتاه + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۴ کسی دانه نیک‌مردی نکاشت کزو خرمن گام دل پرنداشت **+**

ردیف: / واژه‌های قافیه: نکاشت، پرنداشت / حروف قافیه: اش (مصوّت بلند + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)

نکته

«و» در واژه‌هایی مانند «جو، تو (جدید)، زو (برو)، دو (دویدن)، دور (گردش)، جور (ستم)، فردوس، جلو، شوق، ذوق، حول (پیرامون)، قول (گفتار)، موج، اوج و ...» به صورت «و» (مصوّت کوتاه «ه» + صامت «و» **معادل:** OW) تلفظ می‌شود؛ **بشخصه** «و» در این واژه‌ها «صامت» است؛ **بنابراین** اگر این واژه‌ها و نظایرشان واژه‌های قافیه باشند، قاعده ساخت قافیه در آن‌ها قاعده ۲ خواهد بود.

مثال مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از گشته خویش آمد و هنگام دزو **+**

ردیف: / واژه‌های قافیه: نو، دزو / حروف قافیه: و (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

نکته

پیشوند و پسوند اگرچه واژه نیستند، اما می‌توانند به تنهایی واژه قافیه قرار گیرند.

مثال ۱ دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمی‌گیرد ز هر در می‌دهم پندش، ولیکن در نمی‌گیرد **+**

ردیف: نمی‌گیرد / واژه‌های قافیه: بر، در (هر دو پیشوند فعلی‌اند) / حروف قافیه: ر (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۲ بر سر آنم که گر ز دست بر آید دست به کاری زنم که غصه سر آید **+**

ردیف: آید / واژه‌های قافیه: بر (پیشوند فعلی)، سر / حروف قافیه: ر (مصوّت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)

مثال ۳ معنی فاصله‌ها چیست؟ برایم بنویس درد این واژه‌سرا چیست؟ برایم بنویس **+**

ردیف: چیست؟ برایم بنویس / واژه‌های قافیه: ها (پسوند)، واژه‌سرا / حروف قافیه: مصوّت بلند «ا» (طبق قاعده ۱)

عیوب قافیه

رعایت قواعد قافیه (قاعده ۱ و ۲) در قافیه‌ساختن واژه‌ها با یکدیگر ضروری است؛ **بشخصه** تمامی قافیه‌ها باید براساس این ۲ قاعده کلی ساخته شوند و هر چه برخلاف آن باشد، نادرست است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ از جمله:

۱ حروف قافیه باید هم از نظر تلفظ و هم از نظر شکل نوشتاری (مکتوب) مشابه و همسان باشند؛ **اما:** اگر حروف قافیه از نظر تلفظ، یکسان ولی از نظر شکل نوشتاری (مکتوب) مشابه و یکسان نباشند، قافیه‌ساختن واژه‌ها با هم نادرست است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ **بشخصه** مثلاً قافیه‌ساختن «غلیظ، تمیز، مریض، لذیذ»، «پاس، خاص»، «قفس، قصص» و ... غلط است. **به این مثال‌ها نگاه کن:**

مثال ۱ پیوند روح می‌کند این باد مُشک‌بیز هنگام نوبت سحر است ای ندیم! خیز **+**

واژه‌های قافیه: مُشک‌بیز، خیز / حروف قافیه: یز (مصوّت بلند + صامت: طبق قاعده ۲)

قافیه‌ساختن این دوتا واژه با هم و یا با واژه‌هایی مثل «ریز، لیریز، تیریز، تمیز، تیز، نیز، فاکریز، سرفیز، بریز و ...» کاملاً درسته؛ **اما** این واژه‌ها نمی‌توانند با واژه‌هایی مثل «نریز، تغیز، غلیظ، هشیض، مریض و ...» هم قافیه بشن، چون شکل نوشتاریشان با هم یکسان نیست.



مثال ۲ مرغ بی‌اندازه چون شد در قفس / گفت حق بر جان فسون خواند و قصص

⊕ واژه‌های قافیه: قفس، قصص / حروف قافیه: - س، - ص (مصوت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)
 شکل نوشتاری آفرین حرف مشترک واژه‌های قافیه (یعنی «س» و «ص») متفاوت است؛ پس این دو واژه نمی‌توانند با هم قافیه بشوند و قافیه شدنشان، عیب قافیه است.
 ۲ در قاعده ۲ که حروف قافیه به صورت «مصوت کوتاه + صامت» یا «مصوت کوتاه + صامت + صامت» است، مصوت کوتاه در هر دو واژه قافیه باید یکسان و مشابه باشد (یعنی در هر دو واژه باید «ت» یا «ب» یا «ث» باشد)؛ اما، اگر این مصوت کوتاه متفاوت باشد، قافیه غلط است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ بنابراین قافیه‌ساختن «دل، گل»، «پَر، ذَر»، «سَر، پَر»، «زَر، ذَر»، «سَر، خُورَد (= خُرد)»، «منظَر، تصوُر»، «بَد، خود (= خُذ)»، «عاقِل، صیقل» و ... - که مصوت کوتاه در آن‌ها متفاوت است - غلط است.

مثال ۱ به فرقی چمن، ابر گسترده پیر / به فرش زمرود فرو ریخت در

⊕ واژه‌های قافیه: پَر، ذَر / حروف قافیه: - ر، - ر (مصوت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)
 مصوت کوتاه هر دو قافیه متفاوت است؛ پس قافیه شدن این دو واژه با هم غلطه و عیب قافیه محسوب می‌شود.

مثال ۲ جان را چه سود گر دل از این باغ شد جدا! / بلبل! بنال گر گل از این باغ شد جدا

⊕ ردیف: از این باغ شد جدا / واژه‌های قافیه: دل، گل / حروف قافیه: - ل، - ل (مصوت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲)
 مصوت کوتاه توی به واژه «ب» و توی واژه دیگر به صورت «ت» آمده؛ پس قافیه شدن دو واژه با هم غلطه و عیب قافیه است.
 ۳ در قاعده ۲ که حروف قافیه به صورت «مصوت کوتاه + صامت» یا «مصوت کوتاه + صامت + صامت» است، اگر صامتی که پس از مصوت کوتاه می‌آید متفاوت باشد، قافیه غلط است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ بنابراین قافیه‌ساختن واژه‌های «بحر، قهر»، «وحی، نهی»، «صدق، عشق»، «فهم، زحم»، «خلق، برق»، «فضل، فصل» و ... غلط است.

مثال ۱ چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی / خداوند امر و خداوند نبی

⊕ واژه‌های قافیه: وحی، نبی / حروف قافیه: - حی، - هی (مصوت کوتاه + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)
 اولین صامتی که بعد از مصوت کوتاه واژه‌های قافیه آمده (ح، ه)، متفاوت است؛ پس قافیه شدنشان غلطه و عیب قافیه محسوب می‌شود.

مثال ۲ عزم و حزمش ازل فریب چو صدق / خلق و خلقتش ابدشکیب چو عشق

⊕ واژه‌های قافیه: صدق، عشق / حروف قافیه: - دق، - شق (مصوت کوتاه + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)
 اولین صامت بعد از مصوت کوتاه «د» و «ش» متفاوت است؛ پس قافیه شدن واژه‌های «صدق» و «عشق» با هم غلطه و عیب قافیه است.
 ۴ اگر آخرین حرف مشترک در واژه‌های قافیه - که در اصطلاح علم قافیه، حرف «روئی» نامیده می‌شود - متفاوت باشد، قافیه غلط است و عیب قافیه محسوب می‌شود؛ بنابراین قافیه‌ساختن واژه‌های «زگ، ترک»، «بَرگ، ترک» (: کلاهخود)، «احتیاط، اعتماد» و ... با هم غلط است.

مثال همی گرز بارید بر خود و تورک / چو باد خزان باز از بید پری (خود: کلاهخود)

⊕ واژه‌های قافیه: ترک، برگ / حروف قافیه: - رک، - رگ (مصوت کوتاه + صامت + صامت: طبق قاعده ۲)
 آفرین حرف مشترک واژه‌های قافیه (یعنی «ک» و «گ») متفاوت است؛ پس قافیه‌ساختن او با هم غلطه و ایراد دارد.

۵ در واژه‌هایی که به «ه» ختم می‌شوند نظیر «خانه، لانه، کاشانه، کارخانه، جوانه، دانه، شیوه، شیفته و ...»، واج «ه» به صورت «- تلفظ می‌شود. بنابراین اگر واژه‌های قافیه به واج «ه» (= -) ختم شده باشد، قافیه عیب دارد و با هیچ کدام از قواعد دوگانه قافیه‌سازی منطبق نیست.

مثال هر کجا ذکر او بود تو که ای! / جمله تسلیم کن بدو، تو چه ای!

⊕ ردیف: ای (= هستی) / واژه‌های قافیه: که، چه / حروف قافیه: «ه» (= -)
 ۶ اگر واژه‌های قافیه به مصوت بلند «ی» ختم شده باشد، قافیه عیب دارد و با هیچ کدام از قواعد دوگانه قافیه‌سازی منطبق نیست.

مثال گاه توبه کردن آمد از مداخل وز هجی / کز هجی بینم زبان و از مداخل، سود نی (هجی: هجو)

⊕ ردیف: - / واژه‌های قافیه: هجی (: هجو کردن، نکوهش)، نی / حروف قافیه: مصوت بلند «ی»

قافیه درونی

• بعضی از شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصراع‌ها نیز قافیه می‌آورند که به آن «قافیه درونی» گفته می‌شود.
 • قافیه درونی ← گاه فقط در پایان نیم‌مصراع‌های بیت است و گاه به صورت پراکنده در درون مصراع‌ها می‌آید.

مثال ۱ در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن / من خود به چشم خویشتن، دیدم که جانم می‌رود

⊕ قافیه درونی: بدن، سخن، خویشتن (که در پایان نیم‌مصراع‌ها آمده).

مثال ۲ دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا / زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم

⊕ قافیه درونی: سیر، دلیر، شیر (که در پایان نیم‌مصراع‌ها آمده).

مثال ۳ گلزار و باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی / هم درد و داغ عالمی، چون پا نهی اندر جفا

⊕ قافیه درونی: باغ، چراغ، داغ (که در پایان نیم‌مصراع‌ها آمده).

مثال ۴ مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم / دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

⊕ قافیه درونی: زنده، خنده (که در پایان نیم‌مصراع اول و دوم آمده).



مثال ۵ یار مرا، غار مرا، عشق جگرخوار مرا
 روح توئی، نوح توئی، فاتح و مفتوح توئی
 یار توئی، غار توئی، خواجه نگه‌دار مرا
 سینه مشروح توئی، بر در اسرار مرا
 قافیه درونی: یار، غار، جگرخوار (در درون مصراع اول) / روح، نوح، مفتوح، مشروح (در درون مصراع‌های سوم و چهارم)
 ذوقافیتین

گاه بیت دارای دو قافیه پایانی است که به آن «ذوقافیتین» (ذوقافیه‌ای) گفته می‌شود؛ البته قافیه اصلی، قافیه پایانی مصراع‌هاست.

مثال ۱ ای از مکارم تو شده در جهان خیر
 افکنده از سیاست تو آسمان سپر
 بیت ذوقافیتین است. / قافیه اصلی: خیر، سپر [حروف قافیه: «ر» / طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: جهان، آسمان [حروف قافیه: «ان» / طبق قاعده ۲]
مثال ۲ آن دلبری که خوبی بسیار یار اوست
 دردا که در دلم همه بیکار کار اوست
 بیت ذوقافیتین است. / ردیف: اوست / قافیه اصلی: یار، کار [حروف قافیه: «ار» / طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: بسیار، بیکار [حروف قافیه: «ار» / طبق قاعده ۲]
مثال ۳ آتش است این بانگ نای و نیست باد
 هر که این آتش ندارد، نیست باد
 بیت ذوقافیتین است. / قافیه اصلی: باد (جریان هوا)، باد (فعل دعایی به معنای «باشد») [حروف قافیه: «اد» / طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: نیست (فعل اسنادی منفی، متضاد «است»)، نیست (نابود و فناشونده) [حروف قافیه: «ست» / طبق قاعده ۲]

نکته

در بیتی که ذوقافیتین است، گاه در بین دو قافیه، حروف و یا کلماتی عیناً از نظر لفظ و معنا تکرار می‌شود که در اصطلاح علم قافیه، به آن «حاجب» گفته می‌شود و مانعی برای ذوقافیتین بودن بیت نیست.

مثال ۱ طُرفه می‌دارند یاران صبر من بر داغ و درد
 داغ و دردی کز تو باشد، خوش تراست از باغ و وزرد
 بیت ذوقافیتین است. / قافیه اصلی: درد، ورد (گل سرخ) [حروف قافیه: «رد» / طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: داغ، باغ [حروف قافیه: «اغ» / طبق قاعده ۲] / حاجب: «و» بین واژه‌های قافیه
مثال ۲ ای شاه زمین! بر آسمان داری تخت
 سست است غدو تا تو کمان داری سخت
 بیت ذوقافیتین است. / قافیه اصلی: تخت، سخت [حروف قافیه: «خت» / طبق قاعده ۲] / قافیه دوم: آسمان، کمان [حروف قافیه: «ان» / طبق قاعده ۲] / حاجب: «داری» بین واژه‌های قافیه

قافیه در شعر نو (نیمایی)

در شعر نو، شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌سازد و هر جا بخواهد، از قافیه استفاده می‌کند. قافیه، محدودیت‌های شعر کلاسیک (کهن) را ندارد و در آخر ابیات نمی‌آید؛ بلکه در هر بخش از شعر، چند مصراع قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود.

مثال عاشقم بهار را، رویش ستاره در کویر را / رهنورد دشت‌های عاشقی / پُر ز باده سپیده باد جام تو / ای که چون غزال تشنه، آب تازه می‌خورد / مزرع دلم ز جاری کلام تو / در غبار کام تو / چاره فسونگران و رهزان، در فحاق مرگ رخ نهفتن است / من که تشنه‌ام زلالی از سپیده را / من که جست و جوگرم، سرودهای ناشنیده را / شعر من که عاشقم / همیشه از تو گفتن است / ای که در بهار سبز نام تو / رسالت گل محفدی، شکفتن است!

واژه‌های قافیه: جام، کلام، کام، نام / حروف قافیه: ام (مصوت بلند + صامت: طبق قاعده ۲) / ردیف: تو
 واژه‌های قافیه: نهفتن، گفتن، شکفتن / حروف قافیه: ن (مصوت کوتاه + صامت: طبق قاعده ۲) / ردیف: است
 واژه‌های قافیه: سپیده، ناشنیده / حروف قافیه: ه (= ی) / ردیف: را

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۸۹- کدام بیت فاقد «ردیف» است؟

- ۱) در پیش بی‌دردان چرا فریاد بی‌حاصل کنم
- ۲) روز وصل دوستداران یاد یاد
- ۳) گلاب است گویی به جویش روان
- ۴) آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد

۹۰- شاعر در سرودن کدام بیت، از ردیف بهره نگرفته است؟

- ۱) روز مردن سویم از رحمت نگاهی کرد و رفت
- ۲) از آن به خدمت می‌خوارگان کمر بستم
- ۳) بر سر آنم که گرز دست برآید
- ۴) تار زلفت را جدا مشاطه گر از شانه کرد



۹۱- در کدام یک از ابیات زیر، «ردیف» به کار نرفته است؟

- ۱) من طاقت دوری ز رخ یار ندارم
- ۲) زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست
- ۳) غم خویش در زندگی خور که خویش
- ۴) هیچ کس بی گوشمال تربیت آدم نشد

۹۲- در همه ابیات زیر، «ردیف» به کار رفته است به جز.....

- ۱) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست
- ۲) دلارام در بر دلارام جوی
- ۳) صبا! به لطف بگو آن غزال رعنا را
- ۴) ماه تابان است و همچون روی تو تابنده نیست

۹۳- شاعر در همه ابیات زیر به جز..... از «ردیف» بهره گرفته است.

- ۱) کاشکی جز تو کسی داشتمی
- ۲) آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند
- ۳) خواجه در ایریشم و ما در گلیم
- ۴) ای روی داده صحبت دنیا را

۹۴- در کدام بیت، ردیف دیده نمی‌شود؟

- ۱) در دل عطش عشق خدایی ما راست
- ۲) دلمرده از آنم که مسیحانفسی نیست
- ۳) کسی نمانده دگر تا به تیغ ناز گشی
- ۴) خنده بر حال گرانباران دنیا می‌زنم

۹۵- کدام یک از ابیات زیر، فاقد «ردیف» است؟

- ۱) جوانی شمع ره کردم که جویم زندگانی را
- ۲) دوش آگهی ز یار سفرکرده داد باد
- ۳) هر شرارت در جهان فرزند آدم می‌کند
- ۴) شمشیر ازل به دست مردان خداست

۹۶- شاعر در سرودن کدام بیت، از «ردیف» شعری استفاده کرده است؟

- ۱) نه چنان به گرد کویت من ناصبور کردم
- ۲) ساقی! از آن شیشه منصور دم
- ۳) آن که رخسار تو را رنگ گل و نسرين داد
- ۴) خواجه در ایریشم و ما در گلیم

۹۷- واژه‌های قافیه در کدام گزینه، به درستی مشخص شده است؟

- ۱) آب آتش - فروز - عشق آمد
- ۲) نشود فاش کسی آن چه میان من و توست
- ۳) دل در اندیشه آن زلف گره گیر افتاد
- ۴) اگر بر تن خویش سالار و میرم

۹۸- قافیه کدام بیت، طبق قاعده (۲) است؟

- ۱) حق بین نظری باید تا روی مرا ببند
- ۲) ای دفتر حسن تو را فهرست خط و خالها
- ۳) هیچ عاشق خود نباشد وصل جو
- ۴) علی ای همای رحمت! تو چه آیتی خدا را

۹۹- قافیه در کدام بیت، طبق قاعده (۱) ساخته شده است؟

- ۱) خوشا وقت مجموع آن کس که اوست
- ۲) عمری است تا به راه غمت رو نهاده‌ایم
- ۳) چون کنی پا را؟ حیاتت زین گل است
- ۴) غمت در نهان خانه دل نشیند



۱۰۰- حروف قافیه در کدام بیت براساس الگوی «مصوّت + صامت + صامت» است؟

- ۱) پری دانی چرا از دیده مردم نهان باشد؟! (۱)
- ۲) سلسله موی دوست حلقه دام بلاست (۲)
- ۳) در زلف تو بند بود داد دل ما (۳)
- ۴) خوش آمد گل وز آن خوش تر نباشد (۴)

۱۰۱- قافیه کدام یک از ابیات زیر، طبق قاعده (۲) ساخته نشده است؟

- ۱) ظهر است ز خرمی جهان می خندد (۱)
- ۲) مبادا دولت دنیا نصیب بدگهر گردد (۲)
- ۳) عشق شوری در نهاد ما نهاد (۳)
- ۴) به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست (۴)

۱۰۲- قافیه تمامی ابیات زیر به جز طبق قاعده (۱) است.

- ۱) صلاح از ماحه می جویی که مستان را صلا گفتیم (۱)
- ۲) که من عاشقم گر بسوزم رواست (۲)
- ۳) چشم ما آیش به هر سو می رود (۳)
- ۴) گذشت عمر و دل از حرص سر نمی تابد (۴)

۱۰۳- حروف قافیه کدام بیت به صورت «مصوّت کوتاه + صامت» نیست؟

- ۱) چه باک از زاهدان خشک میخواران سرکش را (۱)
- ۲) ساقی! از آن شیشه منصور دم (۲)
- ۳) یار به ما نظر نکرده صبر و شکیب را وداع (۳)
- ۴) دل بی آرزو آسوده از تشویش می باشد (۴)

۱۰۴- قافیه همه ابیات زیر به جز طبق قاعده (۲) ساخته شده است.

- ۱) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو (۱)
- ۲) ما چو ناییم و نوا در ما ز توست (۲)
- ۳) خیزید و خز آید که هنگام خزان است (۳)
- ۴) به پیران جهان غم سازگار است (۴)

۱۰۵- حروف قافیه در کدام بیت، «مصوّت + صامت + صامت» نیست؟

- ۱) ز سوز عشق بهتر در جهان چیست (۱)
- ۲) دلیل کاروان اشکم آه سره را مانم (۲)
- ۳) چیست دل؟ یک عالم بی رنگ و بوست (۳)
- ۴) در این بود درویش شوریده رنگ (۴)

۱۰۶- قافیه در تمامی ابیات زیر به صورت «مصوّت + صامت» است به جز

- ۱) عکس روی تو چو در آینه جام افتاد (۱)
- ۲) دوش از جناب آصف پیک بشارت آمد (۲)
- ۳) چون درد عاشقی به جهان هیچ درد نیست (۳)
- ۴) هم حرکاتش متناسب به هم (۴)

۱۰۷- قاعده ساخت قافیه در همه گزینه ها به جز یکسان است.

- ۱) صبحدم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت (۱)
- ۲) دنیا و دین در باختم حاصل نشد آلا هوس (۲)
- ۳) کی شعر تر انگیزد خاطر که حزن باشد؟! (۳)
- ۴) دل مسکین من در بند مانده است (۴)

۱۰۸- قاعده ساخت قافیه در کدام یک از ابیات زیر، «مصوّت + صامت» نیست؟

- ۱) آن یار که در سینه جنون دارم از او (۱)
- ۲) باغبان گر چند روزی صحبت گل بایدش (۲)
- ۳) زان یار دلتوازم شکری است با شکایت (۳)
- ۴) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش (۴)

۱۰۹- الگوی ساخت قافیه در کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) به عهد گل شدم از توبه شراب خجل
- ۲) چو مردم سخن گفت باید به هوش
- ۳) مرا عهدی است با جاتان که تا جان در بدن دارم
- ۴) به دستت گر می آמיד دادند

۱۱۰- قافیه در کدام بیت، نادرست است؟

- ۱) چو سرو از راستی برزد علم را
- ۲) خوش خیر باشی ای نسیم شمال!
- ۳) مردم دیده ما جز به رخت ناظر نیست
- ۴) در عشق رخت علم و خرد باخته‌ام

۱۱۱- کاربرد قافیه در کدام یک از ابیات زیر، عیب قافیه محسوب نمی‌شود؟

- ۱) بی‌میراد او نجنبید هیچ رگ
- ۲) عزم و حزمش از فریب چو صدق
- ۳) روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد
- ۴) که گر آفتاب است یک ذره نیست

۱۱۲- قافیه‌شدن واژه‌های قافیه در کدام گزینه درست نیست؟

- ۱) پیش از اینت بیش از این اندیشه عشاق بود
- ۲) هر جا که بنگری رخ او در تجلی است
- ۳) همه بودی از بود او هست نام
- ۴) دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد

۱۱۳- قافیه در کدام بیت، طبق هیچ یک از قواعد دوگانه قافیه ساخته نشده است؟

- ۱) عدل است که بنیاد ظفرها باشد
- ۲) اگرچه رفت غبارم به راه او بر باد
- ۳) گاه توبه کردن آمد از مدایح وز هجی
- ۴) ای که با سلسله زلف دراز آمده‌ای!

۱۱۴- قافیه به کار رفته در کدام گزینه، صنعت ادبی «جناس همسان» دارد؟

- ۱) عشق شوری در نهاد ما نهاد
- ۲) دست از طلب ندارم تا کام من برآید
- ۳) روز وصل دوستداران یاد باد
- ۴) چنگش بگرفت زود در چنگ

۱۱۵- کاربرد قافیه در کدام یک از ابیات زیر، آرایه ادبی «جناس همسان» پدید نیآورده است؟

- ۱) طریقی فرمایش‌گیر و رهی
- ۲) دوش از در میخانه کشیدند به دوشم
- ۳) دلم که چون سر زلف تو می‌رود بر باد
- ۴) برو هر چه می‌بایدت پیش گیر

۱۱۶- واژه‌های قافیه در تمامی ابیات زیر، دارای صنعت ادبی «جناس همسان» است به جز

- ۱) ساعتی کز دم آن سرو روان باز آید
- ۲) بیا بیا بت رضوان غلام حور نهاد
- ۳) خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت
- ۴) دوش چون در شکن طزه شب چین دادند

۱۱۷- در کدام بیت، شاعر برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، از «قافیه درونی» استفاده کرده است؟

- ۱) مقام امن و می بی‌غش و رفیق شفیق
- ۲) دلبر که جان فرسود از او، کام دلم نگشود از او
- ۳) بازای ساقیا! که هواخواه خدمتم
- ۴) فاتحه‌ای چو آمدی، بر سر خسته‌ای بخوان

۱۱۸- در همه ابیات به جز «قافیه درونی» دیده می‌شود.

- (۱) از آن مرد دانا دهان دوخته است
(۲) ای یار ما! عیار ما! دام دل خنجر ما!
(۳) هنگام تنگدستی، در عیش کوش و مستی
(۴) حجره خورشید تویی، خانه ناهید تویی
- ۱۱۹- کدام بیت، «ذوقافیتین» است؟

- (۱) بی‌درد مردم ما خدا بی‌درد مردم
(۲) روز نبوده که به وصف تو سخن سرتکنم
(۳) دولت نام تو حاشا که تمامت جوید
(۴) رهروم مقصد امکان به خراسان یابم
- ۱۲۰- کدام گزینه «ذوقافیتین» نیست؟

- (۱) دانه باشی مرغکانت برچنند
(۲) بهاری کز دورخسارش همی شمس و قمر خیزد
(۳) عالم همه عابدند و معبود یکی است
(۴) هر کس که نهد پای بر آن خاک سر کو
- ۱۲۱- شاعر در کدام یک از ابیات زیر، از صنعت ادبی «ذوقافیتین» بهره گرفته است؟

- (۱) آسمان گر نهد کام چه خواهد بودن؟!
(۲) جان بی جمال جانان میل جهان ندارد
(۳) بیا تا حال یکدیگر بدانیم
(۴) صوفی از پرتو می راز نهانی دانست

۱۲۲- همه گزینه‌ها «ذوقافیتین» است به جز

- (۱) نه چنان به گرد کویت من ناصبور گردم
(۲) صفای صفوت رویت بریخت آب بهار
(۳) خداوند در توفیق بگشای
(۴) حمله سبک آری و گران داری رخت
- ۱۲۳- همه ابیات زیر «ذوقافیتین» است به جز

- (۱) ای ز احسان تو آراسته ایوان کرم
(۲) غارت جان گرمی رفتار او
(۳) ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
(۴) ما چون ز دری پای کشیدیم کشیدیم



پایه نهم

تشبیه

یادآوری

قبل از ورود به مبحث «تشبیه» یادآوری این دو تا نکته لازم:

❶ «بیان» ← علمی است که در آن، از چگونگی بیان کردن اندیشه و معنای واحد، به شیوه‌های گوناگون سخن می‌رود؛ در واقع: شاعر یا نویسنده، با استفاده از عناصر علم بیان و آرایه‌های لفظی و معنوی، معانی ذهنی خودش را به دیگران منتقل می‌کند و به این ترتیب، سخن ساده و عادی‌اش را به سخنی ادبی و هنری تبدیل می‌کند.

❷ مباحث و عناصر علم «بیان» عبارت‌اند از: ۱) تشبیه ۲) مجاز ۳) استعاره ۴) کنایه.

❸ **مثال** «طلوع خورشید» را می‌توان با استفاده از این عناصر و شیوه‌ها، به شکل‌های هنری مختلفی بیان کرد؛ به این صورت: ۱) با استفاده از «تشبیه» مانند: «خورشید همچون گلوله‌ای از آتش می‌درخشد» یا «گل خورشید شکفت»؛ که: «خورشید» به «گلوله‌ای از آتش» و یا «گل زردرنگ» تشبیه شده که می‌درخشد یا می‌شکفت.

۲) با استفاده از «مجاز» مانند: «خورشید، پهنه وسیع دشت را روشن ساخت»؛ که: «خورشید» مجازاً به معنای «نور» خورشید است. ۳) با استفاده از «استعاره» مانند: «سحرگه خسرو خاور، غم بر کوهساران زد» یا «پادشاه مشرق چهره نمود و ظلمت شب را برطرف کرد»؛ که: «خسرو خاور» و «پادشاه مشرق»، هر دو استعاره از «خورشید» است که از جانب شرق طلوع می‌کند.

۴) با استفاده از «کنایه» مانند: «سحرگه خسرو خاور، غم بر کوهساران زد» یا «خورشید به روی آسمان تیغ کشید»؛ که: «غم» (پرچم) زدن خورشید بر کوهسار و یا «تیغ کشیدن خورشید به روی آسمان»، کنایه از آشکار شدن و یا طلوع خورشید است. (شاعر در ذهن خودش، اشعه‌های خورشید را به منزله تیغ و شمشیر آن دانسته.)

تشبیه

❶ برقراری رابطه همانندی (شبهت) میان دو یا چند چیز و یا دو یا چند کس است؛ به عبارت دیگر: «تشبیه»، شاعر یا نویسنده، دو یا چند چیز و یا دو یا چند کس یا پدیده را به خاطر داشتن ویژگی‌ها و صفات مشترک، همانند هم می‌داند.

❷ **مثال** دانا چو طبله عطار است خاموش و هنرنمای.

❸ در این عبارت، «دانا» به طبله (صندوقچه) عطار تشبیه شده. شاعر معتقد است که «انسان دانا» همانند صندوقچه پر از عطر و بوی عطاری است که ارزش آن به خودی خود برای همه معلوم است و نیازی به توصیف و توضیح خود یا دیگران ندارد.

ارکان (پایه‌های) تشبیه: هر «تشبیه» ۴ رکن (پایه) دارد؛ به این ترتیب:

❶ **مشبّه**: چیزی یا کسی یا پدیده‌ای است که آن را به چیزی یا کسی یا پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم؛ مانند: «دانا» در همان مثال.

❷ **مشبّه‌به**: چیزی یا کسی یا پدیده‌ای است که «مشبّه» به آن مانند می‌شود؛ مانند: «طبله (صندوقچه) عطار» در همان مثال.

❸ **وجه‌شبهی**: ویژگی یا صفت مشترک میان «مشبّه» و «مشبّه‌به» است - که البته در «مشبّه‌به»، قوی‌تر و پررنگ‌تر و آشکارتر است -؛ مانند: خاموش و هنرنمای بودن» در همان مثال.

❹ **ادات تشبیه**: واژه یا واژه‌هایی است که نشان‌دهنده پیوند شبهت (همانندی) میان «مشبّه» و «مشبّه‌به» است؛ مانند: «چو» در همان مثال.

توجه

مهم‌ترین «ادات تشبیه» عبارت‌اند از: «چو، چون، همچو، همچون، چنان، هم‌چنان، مثل، مانند، همانند، عین، به منزله، به کردار، به شیوه، به سان، بر سان، به شکل، به گونه، در هیئت (= در شکل)، گویا، گویا، گویی، گفتم، پنداری، انگار (زمانی که مفهوم شبهت را برسانند)، مانند، می‌ماند، مانستی (از مصدر «ماندن» و «مانستن»، هر دو به معنی «شبهه‌بودن»)، پسوندهای شبهت «وَش، وار، واره، سا، آسا، صفت، گون، گونه و...» (مثلاً در واژه‌های «پری‌وَش، موج‌وار، جشنواره، مهسا، شمع‌آسا، خوک‌صفت، زردگون، ترگونه و...»).

در میان «ادات تشبیه»، «چو» و «چون» فقط زمانی که به معنای «مثل» و «مانند» و بیان‌کننده مفهوم شباهت (همانندی) باشند، از نظر دستوری، حرف اضافه و از نظر علم بیان، «ادات تشبیه» به حساب می‌آیند؛ در غیر این صورت، ادات تشبیه نیستند و در عوض، نقش‌های دیگری مثلاً «حرف ربط» (به معنای «وقتی که»، هنگامی که، زیرا که و ...» یا «قید پرسش» (به معنای «چرا، چگونه، چه طور و ...») خواهند داشت.

مثال

- دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی
حرف ربط (مکملی که، وقتی که)
- چون تو نگاه می‌کنی، کار من آه کردن است
حرف ربط (مکملی که، وقتی که)
- تو مینداز که سعدی ز کمندت بگریزد
چون بدانست که در بند تو خوش‌تر ز رهایی
حرف ربط (زیرا، زیرا که، چرا که)
- چون است حال بستان؟ ای باد نوبهاری!
قید پرسشی (چگونه، چگونه)

«مشبه» و «مشبه‌به» را در یک تشبیه، «طرفین تشبیه» یا «دو رکن اصلی تشبیه» می‌نامند؛ زیرا، ذکر آن‌ها در تشبیه ضروری است و در اغلب تشبیه‌ها حضور دارند؛ اما، «وجه‌شبه» و «ادات تشبیه» می‌توانند حذف شوند. این جمله‌ها رو بین:

- دانا چو طبله عطار است خاموش و هنرنمای.
مشبه ادات تشبیه مشبه وجه‌شبه
- دانا چو طبله عطار است.
مشبه ادات تشبیه مشبه
- دانا طبله عطار است خاموش و هنرنمای.
مشبه مشبه وجه‌شبه

همون‌طور که می‌بینی، تو جمله اول، همه ارکان تشبیه هستن. تو جمله دوم «وجه‌شبه» حذف شده، تو جمله سوم «ادات تشبیه» حذف شده، و تو جمله چهارم، هم وجه‌شبه و هم ادات تشبیه، هر دو حذف شدن اما با حذف این دو تا، تشبیه هم بیان به خاطر وجود طرفین تشبیه (مشبه و مشبه‌به)، به قوت خودش باقی و برقراره. وجه‌شبه (ویژگی یا صفت مشترک بین مشبه و مشبه‌به) در «مشبه‌به» قوی‌تر و پررنگ‌تر و آشکارتر است؛ بنابراین «مشبه‌به» مهم‌ترین پایه تشبیه است و «مشبه» همواره به آن مانند می‌شود.

هر تشبیه، ریشه در نوع نگاه و تفکر گوینده یا سراینده‌اش دارد؛ بنابراین، آن‌چه موجب زیبایی تشبیه می‌شود، «وجه‌شبه» بین مشبه و مشبه‌به است که شاعر به آن دست یافته است.

به این دو تا نکته مهم، خوب توجه کن!

اگر «مشبه» در یک تشبیه، «نهاد محذوف» بود، در این صورت، شناسه فعل (نهاد اجباری) «مشبه» است.

مثال

- عقد‌های هرگز نگردم باز از کار کسی در چمن، بی‌کار چون دست چنار افتاده‌ام
مشبه: شناسه «م = من» (در «افتاده‌ام» / مشبه‌به: دست چنار / وجه‌شبه: بی‌کار افتادن / ادات تشبیه: چون
- اگر «مشبه» در یک تشبیه، «نهاد محذوف» بود و شناسه فعل هم در جمله حضور نداشت (مثلاً در «فعل‌های ماضی سوم شخص مفرد» از جمله «رفت، گفت و ...» یا در «فعل‌های امر و نهی دوم شخص مفرد» از جمله «برو، بگو، مباش و ...») در این صورت، ضمیری که به آن فعل برمی‌گردد، «مشبه محذوف» به شمار می‌رود.
- چو پیلی به اسب اندر آورد پای بی‌آورد چون باذ، لشکر ز جای
مصرع اول عبارت «چو پیلی به اسب اندر آورد پای» یعنی «او چو پیلی پای به اسب اندر آورد»؛ مشبه: [محذوف = او] / مشبه‌به: پیل (فیل) / وجه‌شبه: پای به اسب اندر آوردن / ادات تشبیه: چو
- مصرع دوم عبارت «بی‌آورد چون باذ لشکر ز جای» یعنی «او چون باذ، لشکر ز جای بی‌آورد»؛ مشبه: [محذوف = او] / مشبه‌به: باذ / وجه‌شبه: لشکر ز جای بی‌آورد (لشکر را از جای خود حرکت داد) / ادات تشبیه: چون

انواع تشبیه

از میان ارکان تشبیه، «مشبه» و «مشبه‌به» طرفین تشبیه و یا دو رکن اصلی تشبیه‌اند و - چنان‌که گفته شد - ذکر آن‌ها در تشبیه، ضروری است؛ اما «وجه‌شبه» و «ادات تشبیه» را می‌توان حذف کرد؛ بنابراین، «تشبیه» براساس این ۴ پایه (ارکان) و به ویژه حضور یا عدم حضور «وجه‌شبه» و «ادات تشبیه» بر ۲ نوع است؛ شامل: تشبیه گسترده (کامل) و تشبیه فشرده (بلیغ یا زسا).

۱) تشبیه گسترده (کامل)

تشبیهی است که همه ارکان تشبیه (مشبه، مشبه‌به، وجه‌شبه، ادات تشبیه) و یا حداقل ۳ رکن تشبیه (مشبه، مشبه‌به و وجه‌شبه) یا «مشبه، مشبه‌به و ادات تشبیه» در آن حضور دارد.

مثال ۱ ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد / ساقی! به دور باده گلگون شتاب کن

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: ایام گل / مشبه‌به: عمر / وجه‌شبهه: به رفتن شتاب کرد / ادات تشبیه: چو
 مصراع دوم ← مشبه: باده (شراب) / مشبه‌به: گل / وجه‌شبهه: - [محدوف = سرخی] / ادات تشبیه: گون (پسوند شباهت)

مثال ۲ این زبان چون سنگ و هم آهن‌وش است / و آن چه بجهد از زبان، چون آتش است

⊕ **مصراع اول** ← **۱** زبان چون سنگ است (مشبه: زبان / مشبه‌به: سنگ / وجه‌شبهه: - / ادات تشبیه: چون) **۲** زبان آهن‌وش است (مشبه: زبان / مشبه‌به: آهن / وجه‌شبهه: - / ادات تشبیه: و)

⊕ **مصراع دوم** ← آن چه بجهد از زبان چون آتش است (مشبه: آن چه از دهان بجهد / مشبه‌به: آتش / وجه‌شبهه: - / ادات تشبیه: چون)

مثال ۳ زندگی آتشگهی دیرنده پابرجاست / گر بیفروزش، رقص شعله‌اش در هر کران پیداست ...

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: زندگی / مشبه‌به: آتشگه / وجه‌شبهه: دیرنده و پابرجا بودن / ادات تشبیه: -

پس ساختارهای مختلف تشبیه گسترده (کامل) ^۳ تا است؛ به این ترتیب:

(۱) مشبه + مشبه‌به + وجه‌شبهه + ادات تشبیه مثال : ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد (۲) مشبه + مشبه‌به + وجه‌شبهه مثال : زندگی آتشگهی دیرنده پابرجاست (۳) مشبه + مشبه‌به + ادات تشبیه مثال : آن چه بجهد از زبان، چون آتش است	ساختارهای تشبیه گسترده (کامل)
---	--------------------------------------

نمونه‌هایی از تشبیه گسترده (کامل)

مثال تو هم چون گل زخندیدن، لب‌ت با هم نمی‌آید / روا داری که من بلبل، چو بوتیمار بنشینم؟!

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: تو / مشبه‌به: گل / وجه‌شبهه: لب بر هم نیامدن از خندیدن / ادات تشبیه: همچون

⊕ **مصراع دوم** ← مشبه: من / مشبه‌به: بوتیمار / وجه‌شبهه: نشستن (بنشینم) / ادات تشبیه: چو

صد هزاران دام و دانه است ای خدا! / ما چو مرغان حریص بی‌نوا

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: ما / مشبه‌به: مرغان / وجه‌شبهه: حریص و بی‌نوا بودن / ادات تشبیه: چو

سینه باید گشاده چون دریا / تا کند نغمه‌ای چو دریا ساز

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: سینه / مشبه‌به: دریا / وجه‌شبهه: گشاده‌بودن / ادات تشبیه: چون

⊕ **مصراع دوم** ← مشبه: سینه / مشبه‌به: دریا / وجه‌شبهه: نغمه‌ای ساز کردن / ادات تشبیه: چو

صدا چون بوی گل در جنبش آب / به آرامی به هر سو پخش می‌گشت

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: صدا / مشبه‌به: بوی گل / وجه‌شبهه: به آرامی به هر سو پخش می‌گشت / ادات تشبیه: چون

برای قد کشیدن در هوایت / دلم مثل صنوبرها صبور است

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: دلم / مشبه‌به: صنوبرها / وجه‌شبهه: صبوربودن / ادات تشبیه: مثل

روز چو شمعی به شب، زودرو و سرفراز / شب چو چراغی به روز، کاسته و نیمتاب

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: روز / مشبه‌به: شمع / وجه‌شبهه: زودرو و سرفراز بودن / ادات تشبیه: چو

⊕ **مصراع دوم** ← مشبه: شب / مشبه‌به: چراغ / وجه‌شبهه: کاسته و نیمتاب بودن / ادات تشبیه: چو

چو دریای خون شد همه دشت و راغ / جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: دشت و راغ (دشت، صحرا) / مشبه‌به: دریای خون / وجه‌شبهه: - / ادات تشبیه: چو

⊕ **مصراع دوم** ← **۱** مشبه: جهان / مشبه‌به: شب / وجه‌شبهه: - (= تیره‌بودن) / ادات تشبیه: چون **۲** مشبه: تیغ‌ها / مشبه‌به: چراغ / وجه‌شبهه: - (= درخشندگی‌بودن) / ادات تشبیه: چون

چون آینه، جان نقشی تو در دل بگرفته‌ست / دل در سر زلف تو فرورفته چو شانه‌ست

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: جان / مشبه‌به: آینه / وجه‌شبهه: نقش تو در دل بگرفته‌ست / ادات تشبیه: چون

⊕ **مصراع دوم** ← مشبه: دل / مشبه‌به: شانه / وجه‌شبهه: در سر زلف تو فرورفته / ادات تشبیه: چو

لبت تا در لطافت لاله سیراب را ماند / دلم در بی‌قراری، چشمه سیماب را ماند

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: لبت / مشبه‌به: لاله سیراب / وجه‌شبهه: لطافت / ادات تشبیه: ماند

⊕ **مصراع دوم** ← مشبه: دلم / مشبه‌به: چشمه سیماب (چشمه‌ای از حیوه) / وجه‌شبهه: بی‌قراری / ادات تشبیه: ماند

از بس که کوتاه است و سیه زلف یار من / گویی که روز من بود و روزگار من

⊕ **مصراع اول** ← مشبه: زلف یار من / مشبه‌به: روز من / وجه‌شبهه: کوتاه‌بودن / ادات تشبیه: گویی **۲** مشبه: زلف یار من / مشبه‌به: روزگار من / وجه‌شبهه: سیه‌بودن / ادات تشبیه: گویی

رنگه نوبتی هم که باشه، نوبتِ تشبیه فشرده و اتواعشه.

۲ تشبیه فشرده (بلیغ یا زسا)

تشبیهی است که فقط دو رکن اصلی یعنی «مشبه» و «مشبّه» در آن حضور دارد و «وجه‌شبه» و «ادات تشبیه» آن حذف می‌شود؛ به عبارتی: با حذف «وجه‌شبه» و «ادات تشبیه» از یک تشبیه، می‌توان آن را به تشبیه فشرده (بلیغ) تبدیل کرد.

مثال زخسار معشوق، چون ماه زیبا و درخشان است. (تشبیه گسترده) حذف وجه‌شبه و ادات تشبیه زخسار معشوق، ماه است. (تشبیه فشرده یا بلیغ)

اشاره...

حذف «وجه‌شبه» و «ادات تشبیه» — ۱ تشبیه را خلاصه می‌کند. ۲ کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌سازد.

انواع تشبیه فشرده (بلیغ یا زسا)

تشبیه فشرده (بلیغ یا زسا) ۲ نوع است؛ شامل: ۱ تشبیه بلیغ اسنادی (غیرترکیبی) ۲ تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی).
۱ تشبیه بلیغ اسنادی (غیرترکیبی): در این نوع از «تشبیه بلیغ»، «مشبّه» در قالب یک جمله یا گزاره - و البته با فعل‌های اسنادی «است، بود، شد، گشت، گردید» و مشتقاتشان نظیر «می‌باشد، می‌شود، می‌گردد (= می‌شود)، هست و ...» و یا با شناسه‌های «م = هستم»، «ی = هستی»، «یم = هستیم»، «ید = هستید»، «ند = هستند» و ... - به «مشبه» (که «نهاد» جمله است) نسبت داده می‌شود.

مثال ۱ این عشق، آتشی است که جان مرا بسوخت داغی به دل نهاد و دلم ز آن نشان گرفت

عبارت «عشق، آتش است» یک «تشبیه بلیغ اسنادی» است که: در اصل، چنین بوده: «عشق همچون آتش، سوزنده و گدازان است»؛ سپس:

با حذف وجه‌شبه (سوزنده و گدازان) و ادات تشبیه (همچون)، تنها مشبه و مشبّه باقی مانده‌اند و «مشبّه» در قالب یک عبارت یا گزاره و با فعل اسنادی «است»، به «عشق» (که «نهاد» جمله است) نسبت داده شده است.

مثال ۲ دیوان حافظی تو و دیوانه تو من اما پیری! به دیدن دیوان نیامدی

تو دیوان حافظی: تشبیه بلیغ اسنادی (مشبه: تو / مشبّه: دیوان حافظ)

مثال ۳ اشکم، ولی به پای عزیزان چکیده‌ام خارم، ولی به سایه گل آرمیده‌ام

اشکم: تشبیه بلیغ اسنادی (مشبه: «م = من» / مشبّه: اشک) خارم: تشبیه بلیغ اسنادی (مشبه: «م = من» / مشبّه: خار)

نکته

در تشبیه بلیغ اسنادی، گاه طرفین تشبیه (مشبه و مشبّه) به صورت جابه‌جا در یک مصراع یا بیت یا عبارت می‌آید؛ **مثلاً** اول «مشبّه» و سپس «مشبه» ذکر می‌شود؛ که در این صورت: برای درست تشخیص دادن مشبه و مشبّه از یکدیگر، باید اجزای آن مصراع یا بیت یا عبارت را به صورت درست مرتب کرد.

مثال ۱ آینه سکندر جام می است، بنگر تا بر تو عرضه دارد احوال فلک دارا

آینه سکندر جام می است — تشبیه بلیغ اسنادی (مشبه: جام می / مشبّه: آینه سکندر)

توی این تشبیه، شاعر، «جام می» رو به «آینه اسکندر» تشبیه کرده که همه فقایق و وقایع عالم رو نشون می‌ده، اما اول «مشبّه» (آینه اسکندر) و بعدش «مشبه» (جام می) رو آورده، در حالی که ترتیب درست اجزای بیت به این صورته: «جام می [هممون] آینه سکندر است»؛ [به آن] بنگر تا احوال فلک دارا [را] بر تو عرضه دارد.

مثال ۲ سرکش مشو که چون شمع، از غیرت بسوزد دلبر که در گف او موم است سنگ خارا

موم است سنگ خارا — تشبیه بلیغ اسنادی (مشبه: سنگ خارا / مشبّه: موم)

شاعر «سنگ خارا» رو - با همه سلتی و سفتیش - توی دستای معشوق، مثل موم نرم درونسته، اما اول مشبّه (موم) و بعدش مشبه (سنگ خارا) رو آورده. ترتیب درست اجزای بیت به این صورته: «سرکش مشو» که (زیرا که) دلبر که «سنگ خارا» در کف (دست) او [چون] «موم» و [نرم] است، از غیرت، تو (= ت) را بسوزد. نمونه‌هایی از تشبیه بلیغ اسنادی

منم آن بلبل گلشن که به هنگام بهار از گلی تا به گلی یکسره در پروازم

من بلبل گلشنم (مشبه: من / مشبّه: بلبل گلشن)

مار است غم عشقش و او گنج لطافت گنجهت چو به دست او فتد از مار میندیش

غم عشقش مار است (مشبه: غم عشق / مشبّه: مار) او گنج لطافت [است] (مشبه: او / مشبّه: گنج لطافت)

قمری ریخته‌بالم، به پناه که روم؟ تا به کی سر کشی ای سرو خرامان از من؟!

قمری ریخته‌بالم (مشبه: «م = من» / مشبّه: قمری ریخته‌بالم)

چشمه خورشید تویی، سایه‌گه بید منم چون که زدی بر سر من، پست و گدازنده شدم

تو چشمه خورشیدی (مشبه: تو / مشبّه: چشمه خورشید) سایه‌گه بید منم (مشبه: من / مشبّه: سایه‌گه بید)



- ⊕ محبت دام و محبوب است دانه به دام آید و حال دانه پرسید
- ⊕ محبت دام است (مشبه: محبت / مشبهه: دام) محبوب دانه است (مشبه: محبوب / مشبهه: دانه)
- ⊕ تو سرو جویباری، تو لاله بهاری تو یار غمگساری، تو حور دلربایی
- ⊕ مصرع اول ← تو سرو جویباری (مشبه: تو / مشبهه: سرو جویبار) تو لاله بهاری (مشبه: تو / مشبهه: لاله بهار)
- ⊕ مصرع دوم ← تو حور دلربایی (مشبه: تو / مشبهه: حور دلربا)
- ⊕ دل من در هوس روی تو ای مونس جان! خاک راهی است که در دست نسیم افتاده است
- ⊕ دل من خاک راه است ... (مشبه: دل من / مشبهه: خاک راه - که در دست نسیم افتاده -)
- ⊕ تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی): در این نوع از تشبیه، یکی از طرفین تشبیه (مشبه یا مشبهه) در قالب یک ترکیب اضافی (مضاف + مضافالیه) به دیگری اضافه می‌شود.

مثال ۱) آتش عشق تو از سینه من نئشیند مگر آن گاه که در خاک نشانی بدنم
 ⊕ ترکیب «آتش عشق» ← تشبیه فشرده یا بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی): **زیرا:** آتش (مشبه) به آتش (مشبهه) تشبیه شده. مشبهه (آتش) و مشبه (عشق) در قالب یک ترکیب اضافی (مضاف + مضافالیه) به یکدیگر اضافه شده‌اند.
 عبارت «آتش عشق» در اصل، به تشبیه گسترده و کامل به این صورت بوده: «عشق همچون آتش، سوزنده و گدازان است» اما «ارات تشبیه» (همچون) و «وجه شبه» (سوزنده و گدازان بودن) حذف شده و فقط مشبه (عشق) و مشبهه (آتش) باقی مانده و نهایتاً «مشبهه» در قالب یک ترکیب اضافی، به «مشبه» اضافه شده.

مثال ۲) دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زدم نقشی به یاد روی تو بر آب می‌زدم
 ⊕ ترکیب «سیل اشک» ← تشبیه فشرده یا بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی): **زیرا:** اشک (مشبه) به سیل (مشبهه) تشبیه شده. مشبهه (سیل) و مشبه (اشک) در قالب یک ترکیب اضافی (مضاف + مضافالیه) به یکدیگر اضافه شده‌اند.
 عبارت «دیشب به سیل اشک رو خواب می‌زدم» یعنی «دیشب با اشکی که همچون سیل، فراوان بود و از چشم جاری می‌شد، رو خواب می‌زدم و خواب نداشتیم، همون دور که می‌بینی، عبارت «سیل اشک» در اصل، به تشبیه گسترده و کامل به این صورت بوده: «اشک که همچون سیل، فراوان و جاری بود» اما «ارات تشبیه» (همچون) و «وجه شبه» (فراوان و جاری بودن) حذف شده و فقط مشبه (اشک) و مشبهه (سیل) باقی مانده و در نهایت «مشبهه» در قالب یک ترکیب اضافی، به «مشبه» اضافه شده و «تشبیه بلیغ اضافی» به وجود آورده تمام.
 • تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)، ۲ ساختار اصلی دارد: **که البته:** ساختار اول، رایج‌تر است:

ساختارهای تشبیه فشرده یا بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)

- ۱) مشبهه + مشبه مثال: لعل لب (تشبیه «لب» به «لعل»: سنگ بسیار سرخ و درخشان و قیمتی)، سرو قد، آتش عشق، آتش غضب، سیل اشک، خار غم، زهر فراق، شراب وصل، دام زلف، دانه خال، تیر نگاه، کمان ابرو، کوه صبر، چراغ دانش، درخت مهریانی، گل خورشید، خانه دل، ایند دل، بحر فکر و ...
- ۲) مشبه + مشبهه مثال: لب لعل (تشبیه «لب» به «لعل»)، قد سرو (تشبیه «قد» به «سرو»)، ابروی کمان، می لعل و ...

نکته

تشبیه گسترده (کامل) را می‌توان با حذف «وجه شبه» و «ادات تشبیه»، به «تشبیه فشرده یا بلیغ اسنادی (غیرترکیبی)» و یا «تشبیه فشرده یا بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)» تبدیل کرد.

مثال ⊕ عشق همچون آتش، سوزنده و گدازان است: تشبیه اسنادی عشق، آتش است: تشبیه اضافی آتش عشق
 مشبه ارات تشبیه مشبهه وجه شبه مشبه مشبهه

⊕ سعادت همچون کیمیا ارزشمند است: تشبیه اسنادی سعادت، کیمیا است: تشبیه اضافی کیمیا سعادت
 مشبه ارات تشبیه مشبهه وجه شبه مشبه مشبهه

نمونه‌هایی از تشبیه فشرده یا بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی)

- ⊕ پشت هیچستان، چتر خواهش باز است، / تا نسیم عطشی در بن برگی بدود، / زنگ باران به صدا می‌آید.
- ⊕ چتر خواهش (مشبه: خواهش / مشبهه: چتر) نسیم عطش (مشبه: عطش / مشبهه: نسیم) زنگ باران (مشبه: باران / مشبهه: زنگ)
- ⊕ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
- ⊕ مس وجود (مشبه: وجود / مشبهه: مس) کیمیای عشق (مشبه: عشق / مشبهه: کیمیا)
- ⊕ گویند روی سرخ تو سعدی! که زرد کرد؟ اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم
- ⊕ اکسیر عشق (مشبه: عشق / مشبهه: اکسیر)
- ⊕ مرا کز جام عشقت مست گشتم وصال و هجر یکسان می‌نماید
- ⊕ جام عشق (مشبه: عشق / مشبهه: جام)

- گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد / اول بلا به مرغ بلندآشیان رسد
 ⊕ سنگ حادثه (مشبه: حادثه / مشبّه: سنگ)
 خیال نقش تو در کارگاه دیده کشیدم / به صورت تو نگاری ندیدم و نشنیدم
 ⊕ کارگاه دیده (مشبه: دیده / چشم) / مشبّه: کارگاه
 خون می‌چکد از تیغ نگاهی که تو داری / فریاد از آن چشم سیاهی که تو داری
 ⊕ تیغ نگاه (مشبه: نگاه / مشبّه: تیغ)
 چون کشم بار فراق تو بدین طاقت و صبر؟! / چون دهم شرح جفای تو بدین دانش و هوش?!
 ⊕ بار فراق (مشبه: فراق / مشبّه: بار)
 چنگ در زنجیر زلفش چون زدم دیوانه‌وار / زیر هر مویش، دلی دیوانه در زنجیر بود
 ⊕ زنجیر زلف (مشبه: زلف / مشبّه: زنجیر)

البته توی مصرع اول، به تشبیه گسترده (کامل) هم داریم؛ به این صورت: مشبه: من (= م) / مشبّه: دیوانه / وجه شبه: پلنگ‌زدن در زلف / ادوات تشبیه: «وار»

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۴۵۸- در کدام بیت، آرایه «تشبیه» به کار رفته است؟

- ۱) بگشای تریتم را بعد از وفات و بنگر
- ۲) یکی درخت گل اندر میان خانه ماست
- ۳) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه‌بان دارد
- ۴) که گفت من خبری دارم از حقیقت عشق

۴۵۹- در کدام گزینه، آرایه «تشبیه» به کار نرفته است؟

- ۱) تو که گفته‌ای تحفل نکنم جفای خوبان
- ۲) در آب و گل ز آدم خاکی نشان نبود
- ۳) فراق یار که پیش تو کاه‌برگی نیست
- ۴) چو شبم بیفتاد مسکین و خرد

۴۶۰- در کدام یک از ابیات زیر، آرایه «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) مهر وصلت گر نتابد بر دلم ای ماه من!
- ۲) طومار ندامت است طبع من
- ۳) چو غوره رست ز خامی خویش شد شیرین
- ۴) قامتش را سرو گفتم، سر کشید از من به خشم

۴۶۱- در همهٔ بیت‌ها به‌جز بیت آرایه «تشبیه» دیده می‌شود.

- ۱) شمعی و خوانده‌ایم خط سرنوشت خویش
- ۲) دل من در هوس روی تو ای مونس جان!
- ۳) می صرف وحدت کسی نوش کرد
- ۴) دیدن روی تو را محرم نباشد چشم ما

۴۶۲- در همهٔ گزینه‌ها آرایه «تشبیه» وجود دارد به‌جز

- ۱) غمش در نهان‌خانه دل نشیند
- ۲) من غلام نظر آصف عهدم کاو را
- ۳) درّهٔ خاکم و در کوی توام جای خوش است
- ۴) مزرع عمر مرا آمده هنگام درو

۴۶۳- کدام بیت، فاقد آرایه «تشبیه» است؟

- ۱) باده گلرنگ تلخ تیز خوشخوار سبک
- ۲) گفتمش سلسلهٔ زلف بتان از پی چیست؟
- ۳) اگرچه از من مسکین رقیب در خشم است
- ۴) جرم گردون تیره و روشن در او آیات صبح

۴۶۴- «مشبه» در کدام گزینه، ذکر نشده است؟

- (۱) قهوه‌خانه گرم و روشن بود همچون شرم
 (۲) چوب‌دستی منتشامانند در دستش
 (۳) گرد بر گردش به کردار صدف بر گرد مروارید / پای تا سر گوش
 (۴) چاه جوان ژرفی و پهنانش، بی‌شرمیش ناباور / و غم‌انگیز و شگفت‌آور

۴۶۵- در کدام بیت، هر چهار پایه «تشبیه» ذکر شده است؟

- (۱) بر برگ گل به خون شقایق نوشته‌اند
 (۲) تا سر زلف پریشان تو محبوب من است
 (۳) در زلف چون کمندش ای دل مپیچ آن‌جا
 (۴) بی‌تأمل دم مزن کز لب گهر می‌ریزدش
 (۱) آن کس که پخته شد می چون ارغوان گرفت
 (۲) روزگارم به سر زلف پریشان ماند
 (۳) سرها بریده بینی بی‌جرم و بی‌جنایت
 (۴) چون صدف هر کس سخن را در دهن می‌پرورد

۴۶۶- در همه بیت‌های زیر به استثنای تمامی ارکان تشبیه موجود است.

- (۱) چون پیاله دلم از توبه که کردم بشکست
 (۲) مرا ستاره صبحی که هر چه کوشیدم
 (۳) گفتا برو چو خاک تحفل کن ای فقیه!
 (۴) بر گل از سنبل نگارم دام مادام آورد
 (۱) همچو لاله جگرم بی می و میخانه بسوخت
 (۲) شد آخر از نظرم ناپدید مادر بود
 (۳) یا هر چه خوانده‌ای همه در زیر خاک کن
 (۴) تا چو صیادان دلم را پای در دام آورد

۴۶۷- در کدام یک از ابیات زیر، «وجه‌شبه» ذکر شده است؟

- (۱) ندایه ساقی سرمست گل‌عذار رسید
 (۲) آب چشم و جان شیرین را کجا دارد دریغ
 (۳) دل توسنی کجا کند آن را که طوق وار
 (۴) نازها می‌کشد آن نرگس شهرآشوبش
 (۱) که طرّف دشت چو رخسار سرخ مستان شد
 (۲) هر که او را چون خیال دوست مهمانی بود؟!
 (۳) در گردن دل است نسیم معبرش؟!
 (۴) بوسه‌ها ز آن رخ همچون قمرش می‌گیرم

۴۶۸- در همه ابیات، هر چهار پایه «تشبیه» ذکر شده است به جز

- (۱) نی میندار که حرفی به زبان آرم اگر
 (۲) چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب
 (۳) چو پیلی به اسب اندر آورد پای
 (۴) ای شاهد افلاکی! در مستی و در پاکی
 (۱) تا به سینه چو قلم بازشکافند سرم
 (۲) مهرم به جان رسید و به عتیق برشدم
 (۳) بی‌آورد چون باد لشکر ز جای
 (۴) من چشم تو را ماتم، تو اشک مرا مانی

۴۶۹- در کدام یک از ابیات زیر، «وجه‌شبه» محذوف است؟

- (۱) چرا چون لاله خونین دل نباشم؟!
 (۲) نیست ایمن هیچ سرسبزی ز چشم شور خلق
 (۳) پیش آن کس که چو نرگس نبود اهل بصر
 (۴) به چین زلف چو شام تو مایل است دلم
 (۱) که با ما نرگس او سر گران کرد
 (۲) روی خود چون خضر از مردم مگر پنهان کند
 (۳) صفت سرو به تقریر کجا آید راست؟
 (۴) شدن به جانب چین گر خطاست، گو می‌باش

۴۷۰- در کدام بیت، تمامی ارکان «تشبیه گسترده» ذکر شده است؟

- (۱) بگرای چو ازده‌های گرز
 (۲) چو شبنم در هوای مهر او سودای همت کن
 (۳) نیست خصمی آدمی را غیر خود چون عنکبوت
 (۴) یا برو همچون زنان رنگی و بویی پیش گیر
 (۱) بخروش چو شزره شیر ارغند
 (۲) که در بازار امکان نیست قدری فطرت دون را
 (۳) دام راه هر کسی از تار آمال خود است
 (۴) یا چو مردان اندر آی و گوی در میدان فکن

۴۷۱- در تمامی ابیات، هر چهار پایه «تشبیه گسترده» ذکر شده است به جز

- (۱) چو آینه است و ترازو خموش و گویا یار
 (۲) گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم
 (۳) کاش آن زمان که این حرکت کرد آسمان
 (۴) ز آتش آه بی تو مه‌رافروز
 (۱) ز من رمیده که او خوی گفت‌وگو دارد
 (۲) ورت به دست نیاید، چو سرو باش آزاد
 (۳) سیماب‌وار گوی زمین بی‌سکون شدی
 (۴) بود روزم چو شب، شبم چون روز

۴۷۲- در منظومه زیر، چند «تشبیه» وجود دارد؟

(سراسری تهری ۹۴)

«مرا هر لفظ فریادی است کز دل می‌کنم بیرون / مرا هر شعر دریایی است لبریز از شراب خون / کجا شهد است این اشکی که در هر دانه لفظ است؟! / مرا این، کاسه خون است، / چنین آسان منوشیدش.»



۴۷۳- آرایه «تشبیه» در کدام بیت بیشتر است؟

- ۱) صد خار بلا از دل دیوانه ما خاست
- ۲) ای سیل اشک! خاک وجودم به باد ده
- ۳) سروی است قامت تو از ناز سر کشیده
- ۴) مرغ دل تا دام زلف و دانه خال تو دید

۴۷۴- در کدام بیت، آرایه «تشبیه» بیشتر است؟

- ۱) از درون تو بود تیره جهان چون دوزخ
- ۲) تیخال‌ها به ناله درآیند چون جرس
- ۳) گر هست در دماغ تو را باد نخوتی
- ۴) دجله اشک از بهار شوق طغیان کرده است

۴۷۵- در کدام گزینه، شاعر از «تشبیه» بیشتری در سخن خود سود جسته است؟

- ۱) بر من از بیداد گردون، صبح شادی شام غم شد
- ۲) می‌کند در راه خود دام گرفتاری به خاک
- ۳) همچو نرگس بگشا چشم و ببین کاندر خاک
- ۴) زمین چو سینۀ سهراب زیر جوشن برگ

- هر روز که بی ساقی گل‌چهره نشستیم
تا بر دل کسی ننشیند غبار من
ماه‌ی است عارض تو از نور آفریده
طایر اندیشه‌ام افتاد در دام هوس

(جرس: زنگ)

۴۷۶- تعداد «تشبیه» موجود در تمامی ابیات یکسان است به‌جز

- ۱) من همچو خار و خاکم و تو آفتاب و ابر
- ۲) همچو نی زهری و تریاقی که دید؟
- ۳) تو از خاکی، به سان خاک تن درده در این پستی
- ۴) اگر چو مرغ بنالم، تو همچو سرو بیالی

- گل‌ها و لاله‌ها دهم ار تربیت کنی
همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
مگر گردی چو جان و عقل هم والی و هم والا
وگر چو ابر بگریم، تو همچو غنچه بخندی

۴۷۷- تعداد تشبیهات به کار رفته در کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) کهن‌ویرانه دنیا به جفدان باد ارزانی
- ۲) فلک مگر چو سرم دید اسیر چنبر عشق
- ۳) دور از تو ستون خاتۀ غم شده‌ام
- ۴) بی‌بهره هیچ ذره ز خورشید عشق نیست

- همای همت من شاخساری در نظر دارد
بیست گردن صبرم به ریسمان قراق
بار غم عالم همه بر دوش من است
زیرا که نور عشق به ذرات ملحق است

۴۷۸- تعداد «تشبیهات» به کار رفته در کدام بیت، کم‌تر از ابیات دیگر است؟

- ۱) بی شب زلف درازت بر من آشفته‌دل
- ۲) تو سرو جویباری، تو لاله بهاری
- ۳) شعاع آفتابم من اگر در کوچه‌ها گردم
- ۴) ای زلف تو کمندی، ایروی تو کمائی!

- لحظه روز و روز هفته، هفته ماه است ای صنم!
تو یار غمگساری، تو حور دلربایی
عقیق و زّ و یاقوتم، ولادت ز آب و طین دارم
وی قامت تو سروی، وی روی تو بهاری!

۴۷۹- تعداد «تشبیه» به کار رفته در همه گزینه‌ها یکسان است به‌جز

- ۱) ور چنین زیر خم زلف نهد دانه خال
- ۲) عقاب جور گشاده‌ست بال بر همه شهر
- ۳) ما چو زاییده و پرورده آن دریاییم
- ۴) ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد

- ای بسا مرغ خرد را که به دام اندازد
کمان گوشه‌نشینی و تیر آهی نیست
صاف و تابنده و خوش چون در مکنون باشیم
ساقی! به دور باده گلگون شتاب کن

۴۸۰- در همه گزینه‌ها به استثنای «تشبیه گسترده» به کار رفته است.

- ۱) درفشان لاله در وی چون چراغی
- ۲) هر کو شراب عشق نخورده‌ست و درد درد
- ۳) جهان چاهی است بی‌بن بر سر راه
- ۴) چون ناقه صالح که برآمد ز دل سنگ

- ولیک از دود او بر جانش داغی
آن است کز حیات جهانش نصیب نیست
نشاید مست‌خفتن بر سر چاه
تقدیر ز ادمار من اقبال برآورد

۴۸۱- در همه بیت‌ها، «تشبیه گسترده» مشهود است به‌جز

- ۱) در شجاعت شیر رتانیستی
- ۲) کس نمی‌فهمد زبان شکوه خونین‌دلان
- ۳) قائم با قطره آبی که دارم چون گهر
- ۴) چو شاهین بر کبوتر حمله آرد

- در مرآت خود که داند کیستی؟!
من گرفتم غنچه‌مان دست از دهن برداشتم
چشم آب از قلمز و عقان نمی‌باشد مرا
به‌جز افتادگی چاره‌ ندارد



۴۸۲- در کدام بیت، «تشبیه بلیغ» به کار نرفته است؟

- ۱) به غنچه گوی که از روی خویش پرده فکن
- ۲) گر قلب دلم را نهد دوست عیاری
- ۳) آسمان سستی پی مرد شکوه عشق نیست
- ۴) کف دریاست صورت‌های عالم

۴۸۳- در همه ابیات زیر، «تشبیه بلیغ اسنادی» به کار رفته است به جز.....

- ۱) جام جهان‌نماست ضمیر منیر دوست
 - ۲) خوش عروسی است جهان از ره صورت لیکن
 - ۳) در سر کار تو کردم دل و دین با همه دانش
 - ۴) تو همه ماهی و خورشیدی و ابری و نسیم
- اظهار احتیاج خود آن‌جا چه حاجت است؟! هر که بیوست بدو، عمر خودش کاوین داد (کاوین: مهریه)
- مرغ زیرک به حقیقت منم امروز و تو دمی من خزان‌دیده و پژمرده‌گلی در چمنم

۴۸۴- در کدام یک از گزینه‌های زیر، تشبیه بلیغ (فشرده) دیده نمی‌شود؟

- ۱) در ره عشق که از سیل فنا نیست گذار
 - ۲) گزرت نباید که شوی خوار و زار
 - ۳) گفتم از ورطه عشقت به صوری به در آم
 - ۴) صلا یوسف گل شد جهان‌گیر
- کرده‌ام خاطر خود را به تمای تو خوش گوش طمع سخت بگیر و بمال باز می‌بینم و دریا نه پدید است کرائش زلیخای جوان شد عالم پیر

۴۸۵- در کدام بیت، «تشبیه فشرده» به کار نرفته است؟

- ۱) تا دور از آن لب شکرین همچو نی شدیم
 - ۲) تو همچون گل ز خندیدن لب با هم نمی‌آید
 - ۳) غافل از حق نشود روح به ویرانه جسم
 - ۴) ما سیر انداختیم، گردن تسلیم پیش
- ترجیع‌بند ناله شود بند بند ما روا داری که من بلبل چو یوتیماز بنشینم؟! سیل هر جا که شود روی به دریا دارد گر بکشی حاکمی، ور بدهی زینهار

۴۸۶- در همه ابیات زیر به جز بیت..... «تشبیه رسا و بلیغ» به کار رفته است.

- ۱) یا بال شوق دژه به خورشید می‌رسد
 - ۲) آسمان بار امانت نتوانست کشید
 - ۳) چشم آسایش که دارد از سپهر تیزرو؟!
 - ۴) بس که بازار خار و خس گرم است
- پرواز دل به سوی خدا می‌پرد مرا قرعه کار به نام من دیوانه زند ساقا! جامی به من ده تا بیاسایم دمی شاهد گل غریب بازار است

۴۸۷- نوع تشبیه به کار رفته در کدام گزینه، «تشبیه فشرده» نیست؟

- ۱) وجود عاریتی خانه‌ای است بر ره سیل
 - ۲) رهن دهر نرفته‌ست، مشو ایمن از او
 - ۳) فردا به داغ دوزخ ناپخته‌ای بسوزد
 - ۴) چو دژه گرچه حقیرم، ببین به دولت عشق
- چراغ عمر نهاده‌ست بر دریچه باد اگر امروز نبرده است که فردا ببرد کامروز آتش عشق از وی نبرد خامی که در هوای رخت چون به مهر پیوستم

۴۸۸- نوع تشبیه در کدام بیت، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) گهی که تیغ اجل بگسلد علاقه روح
 - ۲) تا خم زلف تو را دام دلم کرده‌اند
 - ۳) یاد باد آن‌که ز رخسار تو هر صبحدمی
 - ۴) اسیر قید محبت سر از کمند نتابد
- بود تعلق دل با تو هم‌چنان ما را میل خلاصی نکرد مرغ گرفتار من افق دیده پر از شعله خور بود مرا گزم به تیغ براتی، کجا روم؟! که اسیرم

۴۸۹- نوع «تشبیه» موجود در همه گزینه‌ها به جز..... یکسان است.

- ۱) کنون حلاوت پیوند را بدانی قدر
 - ۲) صبح امید که بد معتکف پرده غیب
 - ۳) دل در این بیرزن عشوه‌گر دهر میند
 - ۴) سر من مست جمالت، دل من رام خیالت
- که شربت غم هجران تلخ نوشیدی گو برون آی که کار شب تار آخر شد کاین عروسی است که در عقد بسی داماد است گهر دیده نثار کف دریای تو دارد

۴۹۰- در کدام بیت، نوع تشبیه بلیغ (رسا) به کار رفته، با سایر ابیات متفاوت است؟

- ۱) یا بهار عمر من رو بر خزان خواهد نهاد
 - ۲) تو آن درخت گلی کاعتدال قامت تو
 - ۳) حاشا که من از جور و جفای تو بنالم
 - ۴) صبر دیدیم در مقابل شوق
- یا نهال قامت او را به بر خواهم گرفت ببرد قیمت سرو بلندبالا را بیداد لطیفان همه لطف است و کرامت آتش و پنبه بود و سنگ و سیوی



۴۹۱- در کدام بیت، هر دو تشبیه بلیغ (اسنادی و اضافی) وجود دارد؟

- ۱) ای در کمند زلفک تو حلقه فریب
- ۲) دیوان حافظی تو و دیوانه تو من
- ۳) من آن شهرم که سیلاب محبت ساخت ویرانم
- ۴) عارض گلگون بنما، دم ز گلستان چه زنی؟

۴۹۲- در همهٔ گزینه‌ها، هر دو نوع «تشبیه گسترده» و «تشبیه فشرده» وجود دارد به جز

- ۱) تو را در دل درخت مهربانی
- ۲) گذشت روزگاران بین که دوران شباب ما
- ۳) در شب هجران مرا پروانهٔ وصلی فرست
- ۴) ز آتش آه، بی تو مهرافروز

۴۹۳- در کدام یک از ابیات زیر، تشبیه بلیغ «اضافی» و «اسنادی» به کار رفته است؟

- ۱) آخر قصد من تویی، غایت جهد و آرزو
- ۲) روزم سیاه شد ز غمت تا زمانه هست
- ۳) تخم مهری گر به دل‌ها می‌فشاند روزگار
- ۴) چشمهٔ خورشید تویی، سایه‌گه بید منم

۴۹۴- در کدام بیت، شاعر از هر دو تشبیه بلیغ «اضافی» و تشبیه بلیغ «اسنادی» بهره نگرفته است؟

- ۱) از کیمیای مهر تو زر گشت روی من
- ۲) رشتهٔ صبرم به مقراض غمت بریده شد
- ۳) دور از تو ستون خانهٔ غم شده‌ام
- ۴) من به سرچشمهٔ خورشید نه خود بردم راه

۴۹۵- در کدام گزینه، هر دو نوع تشبیه بلیغ «اسنادی» و «اضافی» به کار رفته است؟

- ۱) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست
- ۲) در طبع شهریار خزان شد بهار عشق
- ۳) آفتابی تو و من دژهٔ مسکین ضعیف
- ۴) گر امروز آتش شهوت بکشتی، بی گمان رستی

۴۹۶- در کدام بیت، شاعر از دو «تشبیه گسترده» و یک «تشبیه بلیغ» در سخن خود بهره جسته است؟

- ۱) دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد
- ۲) چو دژه گرچه حقیرم، بین به دولت عشق
- ۳) گر کمیت اشک گلگونم نبودی گرم‌رو
- ۴) حریر باورم از شعلهٔ ندامت سوخت

۴۹۷- در کدام بیت، سه «تشبیه بلیغ» و یک «تشبیه گسترده» به کار رفته است؟

- ۱) آرزوی آتش غم بایدت پروانه‌سان
- ۲) در قیامت چو سر از خاک لحد بردارم
- ۳) زلف او دام است و خالش دانهٔ آن دام و من
- ۴) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

۴۹۸- در کدام گروه از ابیات زیر، هم «تشبیه بلیغ» و هم «تشبیه گسترده» به کار رفته است؟

- الف) به تولای تو در آتش محنت چو خلیل
- ب) خاک غربت، کیمیای مردم نیک اختر است
- پ) چون شهپر جبریل بر افلاک کند سیر
- ت) لباس عافیتی هست اگر در این عالم
- ث) تو کیستی که صداقت به آب می‌ماند؟
- ج) چو غنچه راز دل غنچهٔ چمن دریا

۴) الف - ب - پ

۳) ب - پ - ج

۲) الف - ب - ث

۱) پ - ت - ث



سبک و سبک‌شناسی دوره اول (سبک خراسانی)

مقدمه درس

درس هفتم ما را با اصطلاح «سبک» و «سبک خراسانی» آشنا می‌کند و بعد از این آشنایی، دو دیدگاه جالب، راجع به سبک را برایمان توضیح می‌دهد؛ یکی دیدگاه ارسطو فیلسوف یونان باستان و دیگری، شاعر و محقق ایرانی ملک‌الشعراى بهار. در نیمه دوم درس، ماییم و سبک خراسانی و ویژگی‌های شعر و نثر؛ این دوره در دو شاخه «دوره سامانی» و «دوره غزنوی و سلجوقی» به پایان می‌رسد.

یادت باشه! سرنخ موضوعات درس رو بگیر و هلو برو. سبک، تعریف سبک، طبقه‌بندی ارسطو و بهار و ...

وقتی رسیدی به مرحله دوم یعنی ویژگی‌های نثر و شعر این دوره، یکم سرعتتو کم کن و با دقت رو کلمه‌های تاریخی ادبیاتی تسلط پیدا کن. توو این درس به پشمت به مطالب دسته‌بندی شده و چشم‌دیگت به مطالب ریز و قط به قط باشه.

۱) طبقه‌بندی شعر از دیدگاه ارسطو ۲) طبقه‌بندی شعر و نثر از دیدگاه بهار ۳) ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری شعر خراسانی ۴) ویژگی‌های نثر دوره سامانی ۵) ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی

آشنایی با «سبک» و «چند نظریه سبکی»

نکات خط به خط

اصطلاح سبک: شیوه خاص یک اثر یا آثار ادبی است.

تعریف سبک شعر: مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد.

سبک شخصی: به شیوه بیان هر نویسنده یا شاعر گفته می‌شود.

تفاوت و شباهت در سبک‌ها: از نظر شیوه بیان می‌توان گفت به تعداد شاعران و نویسندگان جهان سبک وجود دارد؛ زیرا اطلاعات، دانش، ذوق و استعدادهاى افراد متفاوت است؛ در عین حال شباهت‌هایی نیز در نحوه بیان بعضی از شعرا و نویسندگان وجود دارد که باعث می‌شود عده‌ای از آنان در یک دسته قرار گیرند.



دسته‌بندی سبک‌های شعر فارسی براساس نظر محمدتقی ملک‌الشعراى بهار



• مبنای این تقسیم‌بندی: براساس حوزه جغرافیایی و تاریخی شعر است. می‌توان بعضی از مکتب‌های فرعی را به آن افزود.



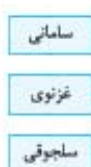
دسته‌بندی سبک‌های نثر فارسی براساس نظر محمدتقی ملک‌الشعراى بهار



- به سبک دوره سلجوقی و خوارزمشاهیان، نثر فنی گفته می‌شود.
- نام دیگر سبک دوره عراقی، نثر مصنوع است.
- مکتب‌ها و سبک‌های ادبی، محصول اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... زمانه‌ای بوده‌اند که صاحبان آن مکاتب و سبک‌ها در آن می‌زیست‌اند.

سبک شناسی شعر دوره اول

نکات مهم



- شعر فارسی در خراسان، نخستین آثار نظم فارسی بعد از اسلام ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ پدید آمد.
- سبک خراسانی: به سبک آثار ادبی در خراسان کنونی، افغانستان، تاجیکستان، ماوراءالنهر و ترکستان گفته می‌شود.
- نام دیگر: سبک سامانی
- علت نام‌گذاری سبک خراسانی به سبک سامانی: چون اوج این سبک در زمان سامانیان بوده است.
- این سه سبک ویژگی‌های مشترکی دارند.
- دلیل نام‌گذاری سبک سلجوقی به سبک بینابین: زیرا علاوه بر ویژگی‌های سبک سلجوقی، ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن وجود دارد.
- شعراى معروف سبک خراسانی: رودکی، فردوسی، ناصر خسرو و ...

ویژگی‌های شعر سبک خراسانی در سه قلمرو

ویژگی زبانی	ویژگی ادبی	ویژگی فکری
۱- سادگی زبان شعر ۲- کمی لغات عربی (به‌جز اصطلاحات دینی و علمی) و لغات بیگانه، در مقایسه با دوره‌های بعد ۳- تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز مثلاً یک - هزار / یک - هزار ۴- کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره‌های بعد ۵- استفاده از دو نشانه برای یک متمم؛ مانند «زدش بر زمین پر»	۱- قالب عمده قصیده است. ۲- قالب‌های مسط، ترجیع‌بند و مثنوی به تدریج شکل می‌گیرد. ۳- قالب غزل در اواخر این دوره رشد می‌یابد. ۴- در حد اعتدال از آرایه‌های ادبی استفاده می‌شود. ۵- قافیه و ردیف بسیار ساده است. ۶- در توصیف پدیده‌ها بیشتر از تشبیه حسّی بهره گرفته می‌شود.	۱- روح شادی و خوش‌باشی در شعر، غلبه دارد. ۲- شعر واقع‌گراست و توصیف‌ها عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است. ۳- معشوق عمدتاً زمینی است. ۴- بر ادبیات این دوره روح حماسه حاکم است. ۵- اشعار اندرزی و پندگونه این دوره ساده است و جنبه علمی و دستوری دارد. ۶- مضمون عمده اشعار این سبک، حماسه، مدح، اندرز و ... است. ۷- فکر و کلام ساده است و هنوز با پیچیدگی عرفانی، حکمی و اندیشه‌های فلسفی آمیخته نشده است.

نمونه‌هایی از نظم این دوره

مهتری گر به کام شیر در است / یا بزرگی و عزّ و نعمت و جاه
شو خطر کن ز کام شیر بجوی / یا چو مردانست مرگ رویاروی

منقله پارغیسی

ویژگی زبانی	۱- سادگی زبان ۲- لغات عربی کم است. ۳- استفاده از دو نشانه برای یک متمم: به کام شیر در
ویژگی ادبی	قافیه ساده است: بجوی و رویاروی.
ویژگی فکری	۱- روح حماسه در آن حاکم است. ۲- پندآموز و اندرزگونه و ساده است. ۳- فکر و کلام ساده است. ۴- مفهوم ابیات: رسیدن به سعادت در گرو خطرکردن و همت بلند داشتن / ضرورت بلندهمتی

گل بخندید و باغ شد پدram ای خوشا این جهان، بدین هنگام *غزلی سیستانی*

ویژگی زبانی	۱- سادگی زبان ۲- لغات عربی ندارد. ۳- استفاده از واژه‌های کهنه: پدram
ویژگی ادبی	۱- قالب: قصیده ۲- استفاده از آرایه تشخیص: گل خندید و باغ پدram و خوشبخت شد.
ویژگی فکری	۱- روح شادی و خوش‌باشی در بیت وجود دارد. ۲- شعر واقع‌گراست. ۳- سادگی فکر و کلام ۴- مفهوم بیت: آراستگی و طراوت گل و باغ در بهار

چون بناگوش نیکوان شد باغ از گل سیب و از گل بادام *غزلی سیستانی*

ویژگی زبانی	۱- سادگی زبان ۲- لغات عربی ندارد. ۳- تلفظ واژه «بناگوش» در مقایسه با امروز تفاوت دارد: بناگوش.
ویژگی ادبی	در توصیف بهار از تشبیه حسی استفاده شده است: تشبیه شکوفه سیب و بادام به بناگوش زیبارویان
ویژگی فکری	۱- سادگی فکر و کلام ۲- شعر واقع‌گراست و توصیف طبیعی، ساده و محسوس است. ۳- معشوق زمینی است.

همچو لوح زمردین گشته است دشت همچو صحیفه‌ای ز زخام *غزلی سیستانی*

ویژگی زبانی	کهنه و مهجور بودن برخی واژه‌ها: «زخام: سنگ مرمر»
ویژگی ادبی	استفاده از آرایه تشبیه از نوع حسی: دشت سبز بهاری به لوح زمردین و کتابی از سنگ مرمر مانند شده است.
ویژگی فکری	۱- روح شادی و خوش‌باشی در بیت حاکم است. ۲- توصیف طبیعی، ساده، محسوس و عینی است.

گل سوری به دست باد بهار سوی باده همی‌دهد پیغام *غزلی سیستانی*

ویژگی زبانی	۱- سادگی زبان شعر ۲- لغت عربی ندارد.
ویژگی ادبی	استفاده از آرایه ادبی در حد اعتدال، تشخیص و استعاره: پیغام‌دادن گل سوری
ویژگی فکری	۱- غلبه روح شادی و نشاط ۲- شعر واقع‌گراست و توصیف طبیعی و محسوس است.

که تو را با من ار مناظره‌ای است من به باغ آمدم به باغ خرام *غزلی سیستانی*

ویژگی زبانی	۱- لغت عربی کم است: «مناظره» ۲- سادگی زبان شعر ۳- استفاده از واژه‌های کهنه: «خرام: فعل امر از خرامیدن: بیا»
ویژگی ادبی	استفاده از آرایه‌های ساده و طبیعی: مناظره گل سوری و باده (شراب): تشخیص و استعاره
ویژگی فکری	سادگی فکر و کلام

مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود *رودکی*

ویژگی زبانی	۱- استفاده از لغات کهنه و مهجور: «بسود: سایید» ۲- ساده‌بودن ساختمان کلمات: دندان، چراغ
ویژگی ادبی	۱- قالب: قصیده ۲- استفاده از تشبیه حسی: دندان به چراغ تابان
ویژگی فکری	۱- مضمون آن اندرز است. ۲- سادگی فکر و کلام ۳- مفهوم بیت: حسرت بر جوانی از دست رفته

یکی نماند کنون زان همه بسود و بریخت چه نحس بود همانا که نحس کیوان بود *رودکی*

ویژگی زبانی	تفاوت تلفظ کلمات: یکی / یکی
ویژگی ادبی	تکرار کلمه (واژه‌آرایی): نحس، بود
ویژگی فکری	۱- سادگی فکر و کلام ۲- پند و اندرز ۳- مفهوم بیت: گله و شکایت از بخت بد

نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز چه بود؟ منت بگویم: قضای یزدان بود *رودکی*

ویژگی زبانی	استفاده از کاربردهای زبانی کهنه: «منت: من به تو»
ویژگی فکری	۱- سادگی فکر و کلام ۲- پند و اندرز ۳- مفهوم بیت: تقدیرگرایی (سرنوشت‌گرایی)

بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی سرودگویان، گویی هزارستان بود رودکی

ویژگی زبانی	تفاوت تلفظ کلمات: هزار / هزار
ویژگی ادبی	استفاده از تشبیه حتی: خود شاعر به هزارستان (بلبل)
ویژگی فکری	۱- شعر واقع‌گراست و توصیف ساده، محسوس و عینی است. ۲- مفهوم بیت: حسرت‌خوردن بر گذشته از دست رفته

بوی جوی مولیان آید همی یار مهریان آید همی
ریگ آموی و درشتی‌های او زیر پایم پرنیان آید همی
آب جیحون از نشاط روی دوست خنگ ما را تا میان آید همی
ای بخارا شاد باش و دیر زی میر زی تو شاهدمان آید همی رودکی

ویژگی زبانی	۱- ساده‌بودن زبان شعر ۲- به کارگیری «همی» به جای «می» در پایان فعل ۳- فارسی‌بودن بیشتر واژه‌ها ۴- ساختمان واژه‌ها اکثراً ساده است: «بو، جو، یاد، یار، ریگ، آمو، راه، با و ...» ۵- کاربرد واژه‌هایی که امروز دچار تغییر یا فراموشی شده‌اند: «خنگ، زی، میر»
ویژگی ادبی	۱- قالب: قصیده ۲- به کار بردن تشبیه حتی ۳- قافیه و ردیف ساده است. ۴- آرایه ادبی در حد اعتدال: جناس ناهمسان: یاد، یار، بو و جو / واج‌آرایی: صامت «ی» و مصوت «ا» / حسن تعلیل: علت بالا آمدن رود جیحون، برای دیدن چهره زیبای یار می‌داند / جناس تام: زی اول، زندگی کن؛ زی دوم: سوی، طرف / تشخیص و استعاره مکتبه: ای بخارا / تشبیه: ریگ رودخانه و آموی به پرنیان (ابریشم و حریر)
ویژگی فکری	۱- فکر و کلام ساده است. ۲- معشوق زمینی است. ۳- شعر واقع‌گراست.

الا یا خیمگی خیمه فروهل تیرهن زن بزه، طبل نخستین
نماز شام نزدیک است امشب ولیکن ماه دارد قصد بالا
که پیشاهنگ بیرون شد ز منزل شتربانان همی‌بندند محمل
مه و خورشید را بینیم مقابل فروشد آفتاب از کوه بابل منوچهری

ویژگی زبانی	۱- ساده‌بودن زبان شعر ۲- سادگی و کوتاهی جملات ۳- بیشتر بودن لغات عربی نسبت به شعر رودکی: «الا، منزل، طبل، محمل، مقابل، قصد» ۴- به کارگیری لغات ویژه: «خیمگی، فروهل، تیرهن زن» ۵- ترکیب‌های خاص: پیشاهنگ، تیرهن زن، شتربانان ۶- به کارگیری فعل‌های پیشوندی: فروهل، فروشد
ویژگی ادبی	قالب: قصیده
ویژگی فکری	۱- شعر واقع‌گراست. ۲- فکر و کلام ساده است. ۳- مفهوم: توصیف غروب آفتاب و حرکت کاروان از منزلگاه

به هوا درنگر، که لشکر برف چون کند اندرو همی پرواز
راست چون کیوتران سپید راه گم‌کرده‌گان، ز هیبت باز آغایی

ویژگی زبانی	۱- سادگی زبان شعر ۲- کمی لغات عربی ۳- کاربرد واژه‌هایی که امروز دچار تغییر شده‌اند: راست، سپید.
ویژگی ادبی	۱- تشبیه حتی: لشکر برف، برف به کیوتر ۲- قافیه ساده است. ۳- قالب: قطعه ۴- آرایه ادبی: تناسب: باز و کیوتر
ویژگی فکری	۱- وجود روح شادی و نشاط در شعر ۲- توصیف طبیعی و محسوس منظره برفی ۳- مفهوم ابیات: توصیف شدت بارش برف

به شهری رسیدند خرم دگر بر آرایش و زیب و خوبی و فز
ز بیرونش بتخانه‌ای پرنگار بر او بی‌کران برده گوهر به کار
نهاده در ایوانش تختی ز عاج بتی در وی از زب با طوق و تاج
درختی گشن زسته در پیش تخت که دادی بر از هفت‌سان آن درخت
هر آن برگ کز وی شدی آشکار بُدی چهر آن بت برو بر، نگار
ز شهر آن که بیمار بودی و سست چو خوردی از آن میوه گشتی درست اسدی هوسی (گرشاسب، نامه)

ویژگی زبانی	۱- سادگی زبان شعر ۲- کمی لغات عربی: طوق، شهر ۳- کهنه و مهجور بودن بعضی از واژه‌ها: «گشن (انبوه)، فز (شکوه)، زیب (زینت)» ۴- استفاده از دو نشانه برای متمم: پر او پر ۵- استفاده از «ی» در آخر فعل به جای «می»: دادی - می‌داد - بُدی: می‌بود - گشتی: می‌گشت
ویژگی ادبی	۱- قالب: مثنوی ۲- استفاده از آرایه‌های ادبی در حد اعتدال: جناس ناهمسان: عاج و تاج / در و زر
ویژگی فکری	۱- سادگی فکر و کلام ۲- شعر واقع‌گراست. ۳- روح حماسه بر آن حاکم است. ۴- مفهوم ابیات: از شهری یاد می‌کند و بتخانه و ایوان و درخت آن را وصف می‌کند. این توصیف‌ها محسوس، ساده و عینی هستند.

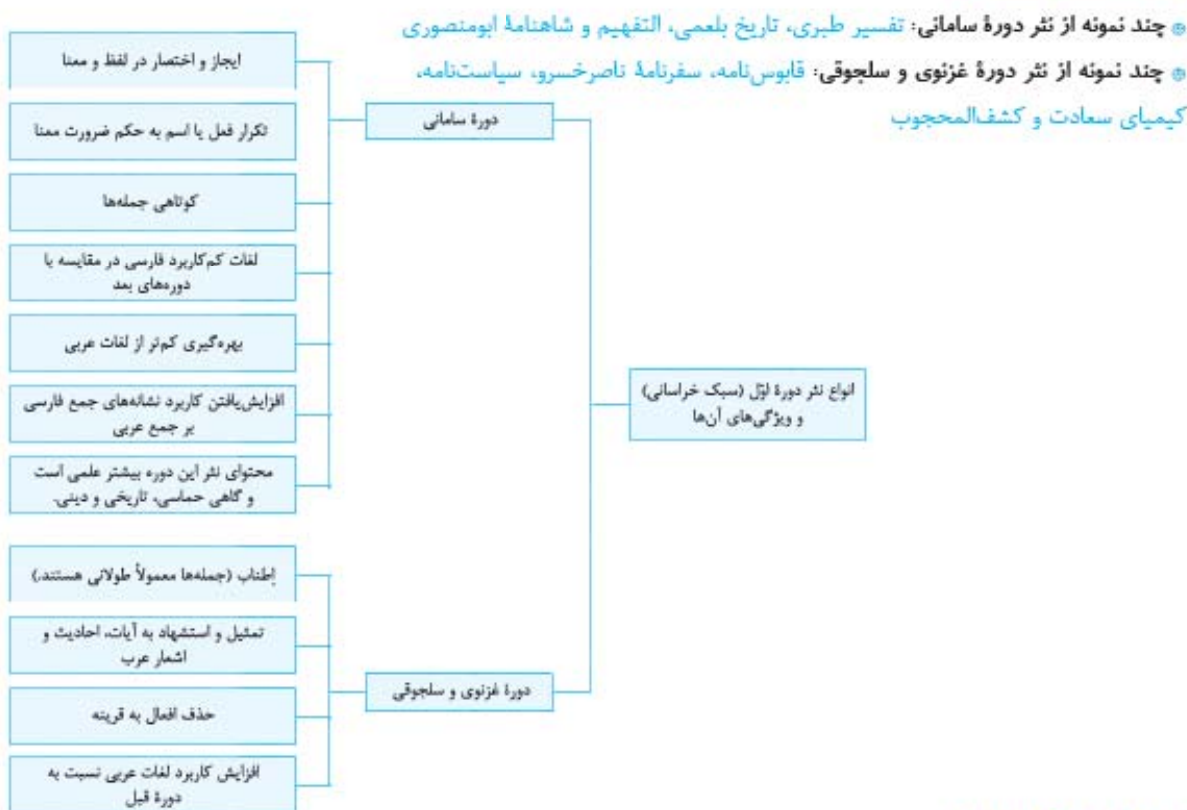
بیستم فال و هوای تست‌های سبک‌شناسی شعر په‌طوره!!!

تست با توجه به ویژگی‌های شعر سبک خراسانی کدام گزینه جزء این سبک به شمار نمی‌آید؟

۱) حلاج‌وشانیم که از دار نترسیم	مجنون‌صفتانیم که در عشق خداییم
۲) اثر میر نخواهم که بماند به جهان	میر خواهیم که بماند به جهان در اثرا
۳) چرخ بزرگوار یکی لشکری بکرد	لشکرش ابر تیره و باد صبا نقیب
۴) هوا گفتی از نیزه چون بیشه گشت	خور از گرد اسپان پراندیشه گشت

پاسخ گزینه «۱» در **۱۱** معشوق زمینی نیست بلکه خداست؛ به همین دلیل این بیت جزء ابیات سبک خراسانی نیست.

سبک‌شناسی نثر دوره اول



نمونه‌هایی از نثر این دوره

ابرهه گفت که درینا که من نشانی بر پیشانی عبدالمطلب دیده بودم که اگر او از بهر خانه حاجت خواستی، من حالی حاجت او برآوردمی و روا گردانیدمی سپس عبدالمطلب گفت که ایها التلیک، من خداوند اشرتم نه خداوند خانه، و مر این خانه را خداوندی هست و او خود خانه خود را نگاه می‌دارد.

ترجمه تفسیر طبری (قرن ۴)

نام دوره	سامانی
مفهوم / مضمون	به خدا توکل نمودن
ویژگی‌ها	۱- کوتاهی جملات ۲- لغات کم‌کاربرد فارسی: «اشرتر» ۳- بهره‌گیری کم‌تر از لغات عربی ۴- تکرار اسم به ضرورت معنی: حاجت، خداوند، خانه

چهاردهم صفر را به شهر سراب رسیدم و شانزدهم صفر از شهر سراب برفتم. بیستم صفر سنه ۴۲۸ به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریور قدیم بود؛ شهری آبادان. مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد. بعضی از شهر خراب شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند.

سفرنامه لاهیجی (قرن ۵)

نام دوره	غزنوی و سلجوقی
مفهوم / مضمون	سفرنامه زلزله تبریز
ویژگی‌ها	۱- حذف افعال به قرینه: و آن پنجم شهریور قدیم بود و شهری آبادان (بود). ۲- افزایش لغات عربی: «صفر - سنه - قدیم - حکایت - زلزله - بعضی (دو بار) - خراب - هلاک»

و در تبریز، «قطران» نام شاعری را دیدم، شعری نیک می‌گفت اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست، پیش من آمد دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود، از من بپرسد و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند.

سفرنامه لاهیجی (قرن ۵)

نام دوره	غزنوی و سلجوقی
مفهوم / مضمون	سفرنامه تبریز و آشنایی با قطران تبریزی
ویژگی‌ها	۱- اطناب ۲- افزایش لغات عربی: «قطران - شاعر - شعر - دقیقی - معنی - مشکل - شرح - اشعار»

[خسرو] گفت: «ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟» بوذرجمهر گفت: «نه، ای خدایگان» خسرو از آن طیره شده و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که داند؟ بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.» (۱)

قاپوس نامه (قرن ۵)

نام دوره	غزنوی و سلجوقی
مفهوم / مضمون	(۱) هیچ انسانی دانای مطلق نیست. تواضع و فروتنی
ویژگی‌ها	۱- اطناب ۲- تمثیل: همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند. ۳- حذف افعال به قرینه: خسرو از آن طیره شده (بود)

نوشته‌اند: درزی و جولاهه‌ای با هم دوستی داشته‌اند و چون به هم بنشستند، می‌گفتندی که این کار این شیخ، هیچ بر اصل نیست. روزی با یکدیگر می‌گفتند که این مرد دعوی کرامت می‌کند؛ بیا تا هر دو به نزدیک وی در شویم؛ اگر شیخ بداند که ما هر یکی چه کار کنیم و پیشه ما چیست، بدانیم که او بر حق است و آنچه می‌کند بر اصل است. هر دو متنگروار به نزدیک شیخ درآمدند. چو چشم شیخ بر ایشان افتاد گفت: «به فلک بر، دو مرد پیشه‌ورند زان یکی درزی و دگر جولاه» پس اشارت به درزی کرد و گفت: «این ندوزد، مگر قبای ملوک» آن‌که اشارت به جولاهه کرد و گفت: «وان نیافد، مگر گلیم سیاه»

اسرارالتوہید از مفسر بن منظور

نام دوره	غزنوی و سلجوقی
مفهوم / مضمون	بیان کرامت شیخ / سرزنش عیب‌جویی
ویژگی‌ها	۱- بهره‌گیری از شعر در میان نثر ۲- کاربرد آرایه‌های ادبی: کنایه: در پای کسی افتادن: احترام، ادب و تواضع نمودن / تناسب: درزی، دوختن و قبا ۳- افزایش لغات عربی: «شیخ - اصل - دعوی - کرامت - حق - متنگر فلک - اشارت - ملوک»

و بدان که نخستین چیزی که حق تعالی آفرید، قلم را آفرید؛ چنان‌که پیغامبر علیه‌السلام فرمود: اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى الْقَلَمَ، و قلم را فرمود که بر لوح بگردد و بنویس هر چه تا قیامت بخواهد بود، پس هر چه خواست آفریدن و خواست بودن تا رستخیز، همه قلم بنوشت به امر حق عزوجل.

تاریخ بلعمی

نام دوره	سامانی
مفهوم / مضمون	ستایش و تکریم قلم / اولین آفرینش خالق، قلم بود.
ویژگی‌ها	۱- تکرار واژه: آفرید، قلم، فرمود ۲- استشهاد از حدیث ۳- تلمیح: کَلَمٌ مَتْنٌ بِه خَلْقَت و آفرینش اشاره دارد. ۴- آرایه تشخیص: قلم را فرمود



تست در متن زیر، کدام ویژگی دیده نمی‌شود؟

«پس دشخوار آمد خواندن این کتاب، منصور، علمای ماوراءالنهر را گرد کرد و از ایشان فتوایی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم؛ گفتند روا باشد.»

(۱) تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی

(۳) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا

(۲) حذف افعال به قرینه

(۴) کوتاهی جملات

پاسخ گزینه «۲» همان‌طور که در درس ششم خواندیم، متن صورت سؤال از کتاب ترجمه تفسیر طبری مربوط به دوره سامانی است. با مقایسه گزینه‌ها می‌فهمیم که **۲** از ویژگی‌های نثر دوره غزنوی و سلجوقی است و سایر گزینه‌ها مربوط به نثر دوره سامانی است.

درس بزرگ نگاه

صاحب نظریه	موضوع	طبقه‌بندی سبک	مثال
ارسطو	سبک شعر	۱- براساس نام شاعر یا نویسنده ۲- براساس زمان و دوره اثر ۳- براساس موضوع و نوع ۴- براساس محیط جغرافیایی ۵- به تناسب مخاطب ۶- براساس هدف ۷- براساس قلمرو دانشی	سبک فردوسی، سبک بیهقی، دوره غزنوی، دوره مشروطه، حماسی آذربایجانی، خراسانی عامیانه، عالمانه تعلیمی، فکاهی علمی، فلسفی
محمّدتی	سبک شعر فارسی	۱- از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم ۲- از قرن ششم تا قرن دهم ۳- از قرن دهم تا سیزدهم ۴- در تمام طول قرن سیزدهم ۵- در تمام طول دوره مشروطه ۶- از ۱۳۰۰ هـ. ش تا امروز	سبک خراسانی یا ترکستانی عراقی هندی دوره بازگشت دوره مشروطه دوره معاصر
ملک الشعراء بهار	سبک نثر فارسی (براساس دوره‌های تاریخی)	۱- از ۳۰۰ تا ۴۵۰ هـ. ق ۲- از ۴۵۰ تا ۵۵۰ هـ. ق ۳- از ۵۵۰ تا ۶۱۶ هـ. ق ۴- از ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ هـ. ق ۵- از ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ هـ. ق ۶- از ۱۳۰۰ هـ. ق تا امروز	دوره سامانی دوره غزنوی و سلجوقی اول دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهی، نثر فنی دوره و سبک عراقی، نثر مصنوع دوره بازگشت ادبی دوره ساده‌نویسی

ویژگی‌های دوره اول (سبک خراسانی)	شعر	زبانی	ادبی	فکری
سادگی زبان شعر کمی لغات عربی و لغات بیگانه در مقایسه با دوره‌های بعد (به‌جز اصطلاحات دینی و علمی) تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز: یک - هزار / یک - هزار کهنه و مهجور بودن بعضی از لغات (در مقایسه با دوره‌های بعد) استفاده از دو نشانه برای یک متمم «یه گیسوی او بر بدوز»	قالب عمده، قصیده است. قالب‌های مسقط، ترجیع‌بند و مثنوی به تدریج در این دوره شکل می‌گیرد و قالب غزل در اواخر این دوره، رشد می‌یابد. استفاده طبیعی و در حد اعتدال از آرایه‌های ادبی ساده‌بودن قافیه و ردیف استفاده از تشبیه حسی در توصیف پدیده‌ها	غلبه روح شادی و خوش‌باشی در شعر واقع‌گرا بودن شعر و استفاده از توصیف‌های طبیعی، ساده، محسوس و عینی زمینی‌بودن معشوق تسلط روح حماسه بر ادبیات این دوره ساده‌بودن جنبه عملی و دستوری داشتن اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره مضمون عمده اشعار این سبک: حماسه، مدح، اندرز سادگی فکر و کلام (هنوز با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و اندیشه‌های فلسفی آمیخته نشده بود).		

اختصار و ایجاز در لفظ و معنا تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی کوتاه‌بودن جملات وجود لغات فارسی کم کاربرد در مقایسه با دوره‌های بعد بهره‌گیری کم‌تر از لغات عربی افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی محتوای نثرها، بیشتر علمی است و گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود.	دوره سامانی	ویژگی‌های دوره اول (سبک خراسانی)
آوردن جملات طولانی (اطناب) تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار عرب حذف افعال به قرینه افزایش کاربرد لغات عربی (نسبت به دوره قبل)	دوره غزنوی و سلجوقی	

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۶۳۱- همه گزینه‌ها مربوط به ویژگی زبانی شعر سبک خراسانی هستند به جز
 (۱) تفاوت تلفظ برخی از کلمات در مقایسه با زبان امروز
 (۲) سادگی فکر و کلام در مقایسه با پیچیدگی‌های دوره‌های بعد
 (۳) کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره‌های بعد
 (۴) کمی لغات بیگانه و عربی در مقایسه با دوره‌های بعد
- ۶۳۲- سبک هندی از قرن تا سیزدهم و سبک ترکستانی از آغاز شعر فارسی تا قرن ادامه داشت.
 (۱) دهم - ششم
 (۲) دوازدهم - پنجم
 (۳) دوازدهم - ششم
 (۴) دهم - پنجم
- ۶۳۳- همه گزینه‌ها به استثنای درست است.
 (۱) مکتب‌ها و سبک‌های ادبی معمولاً محصول اوضاع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... زمانه‌ای بوده‌اند که صاحبان آن مکاتب پس از آن می‌زیسته‌اند.
 (۲) محتوای نثر دوره سامانی بیشتر علمی است و گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود.
 (۳) سبک شعر مجموعه ویژگی‌هایی است که شاعر در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد که به آن «سبک شخصی» می‌گویند.
 (۴) چون اطلاعات، دانش، ذوق و استعدادهاى افراد متفاوت است، می‌توان گفت به تعداد شاعران و نویسندگان جهان، سبک وجود دارد.
- ۶۳۴- ویژگی ذکرشده در کمانک مقابل کدام جمله نادرست است؟
 (۱) و اگر دو روز پیش از وقت یکاری، به که دو روز پس از وقت؛ و ابزار جفت بسیجیده دار. (حذف فعل به قرینه)
 (۲) و از ثقات او شنیدم، چو بواب‌براهیم قاینی کدخدایش و دیگران، که بیست و سی قبا بود او یک رنگ که یا یک سال می‌پوشیدی. (ایجان)
 (۳) و اگر شاعر باشی جهد کن تا سخن تو سهل و ممتنع باشد و بپرهیز از سخن غامض و پوشیده. (افزایش کاربرد لغات عربی)
 (۴) و هرگه که از حدیثی به حدیث دیگر روم بسیار بگویم ولیکن گفته‌اند بسیاردان بسیارگوی باشد. (تمثیل)
- ۶۳۵- چند مورد از آثار زیر از نمونه‌های موفق نثر دوره غزنوی و سلجوقی به شمار نمی‌رود؟
 «تاریخ بلعمی، قابوس‌نامه، تاریخ بیهقی، کیمیای سعادت، کشف‌المحجوب، التفهیم، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، شاهنامه ابومنصوری»
 (۱) یک
 (۲) دو
 (۳) سه
 (۴) چهار
- ۶۳۶- متن «شعر نیکو می‌گفت اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست؛ پیش من آمد دیوان منجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود از من بپرسید و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند.» متعلق به کدام دوره تاریخی نثر فارسی است؟
 (۱) دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان
 (۲) دوره سبک عراقی
 (۳) دوره بازگشت ادبی
 (۴) دوره غزنوی و سلجوقی
- ۶۳۷- همه دستهبندی‌های زیر به ترتیب براساس نظر ارسطو و ملک‌الشعرای بهار است به جز
 (۱) براساس دوره اثر - دوره معاصر
 (۲) براساس نوع - دوره بازگشت
 (۳) براساس فنون ادبی اثر - دوره سامانی اول
 (۴) براساس هدف - دوره سادهنویسی
- ۶۳۸- ویژگی مشخص‌شده در برابر همه گزینه‌ها صحیح است به استثنای
 (۱) عشق تو قضای آسمان است
 (۲) زندگانی چه کوتاه و چه دراز
 (۳) مرغ دیدی که بچه زو ببرند؟
 (۴) پیویک دیدم به حوالی سرخس
 وصل تو بقای جاودان است
 نه به آخر بمرده باید باز؟ (سادگی زبان شعر)
 چلوچاوان درست چو نانست (کهنه و مهجور بودن برخی لغات)
 بانگک بر برده به ابر اندرا (استفاده از دو نشانه برای یک متقم)
- ۶۳۹- در همه گزینه‌ها «تشبیه حسی» یافت می‌شود به جز
 (۱) ارغوان برطرف شاخ تو پنداری راست
 (۲) چو وهم و عقل مکن است تیغ و نیزه او
 (۳) خندگش تیزرو پیکي که از رفتن نیاساید
 (۴) خورشید روان باشی چون از بر رخشی
 مرغکانند عقیقین زده بر بابزنا
 یکی میان دماغ و دگر میان ضمیر
 ولیکن منزلش تا باشد اندر استخوان باشد
 دریای روان باشی چون از بر گاهی

۶۴۰- در متن زیر کدام ویژگی نثر دوره «سامانی» بیشتر مشهود است؟

«و چون به خرد نگاه کنی بدانی که آفرینش او بر هستی او گواست و سیاس وی بر بندگان وی پیداست. نعمت‌ها بزرگ بر بندگان گسترید. سیاس داریم آن خدای را برین نکویی‌ها که با بندگان خویش کرد و درود بر پیغامبر، بهترین جهان و گزین پیامبران و نازنین همه فرزندان آدم و پایمرد آدمیان به روز بزرگ.»

(۱) تکرار فعل به حکم ضرورت معنی (۲) لغات کم کاربرد فارسی (۳) حذف افعال به قرینه (۴) بهره‌گیری کم‌تر از لغات عربی

۶۴۱- در کدام گزینه، سبک شعر، به ترتیب براساس «قلمرو دانشی» و «هدف» تقسیم‌بندی شده است؟

(۱) فلسفی، علمی - فکاهی، تعلیمی
(۲) حماسی، عرفانی - فلسفی، علمی
(۳) فکاهی، تعلیمی - فلسفی، علمی
(۴) عامیانه، عالمانه - حماسی، عرفانی

۶۴۲- در همه گزینه‌ها به نام شاعری از سبک ترکستانی اشاره شده است به جز.....

(۱) سرود از پی خلقت مسقطی مشحون
(۲) آن که نامش به هنر زیور آزادی بود
(۳) ز شاعر زنده می‌ماند به گیتی نام شاهان را
(۴) پسندیدست با زهد عطار و بوذر

۶۴۳- با توجه به ویژگی‌های شعر سبک خراسانی کدام بیت جزء این سبک به شمار نمی‌آید؟

(۱) من که جز آب فراتم نشود دامنگیر
(۲) ور به بلور اندرون ببینی گویی
(۳) دیوانگان بی‌هشان خوانند
(۴) به سرای سپنج مهمان را

۶۴۴- در کدام بیت «تشبیه حسی» یافت نمی‌شود؟

(۱) باغ همچون کلبه بزآز پردیبا شود
(۲) سرو و مه و بنفشه به بستان بهل که او
(۳) قدر او چون غیب شد پنهان اندر یافتن
(۴) عنبر است آن حلقه‌گشته زلف او یا چنبر است

۶۴۵- در کدام گزینه، ویژگی زبانی «استفاده از دو نشانه برای یک متمم» دیده نمی‌شود؟

(۱) از عمر و از جهان چهما دیدمای بگو (۲) گوی، پرنزادی به اسب اندری (۳) ز بینندگان بر سرشکی چکید

۶۴۶- در کدام گزینه، طبقه‌بندی نثر فارسی براساس نظریه بهار، به ترتیب دوره تاریخی چیده شده است؟

(۱) دوره سامانی - غزنوی و سلجوقی اول - سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان - عراقی - ساده‌نویسی - بازگشت ادبی
(۲) دوره غزنوی و سلجوقی اول - سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان - سامانی - عراقی - بازگشت ادبی - ساده‌نویسی
(۳) دوره غزنوی و سلجوقی اول - سامانی - سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان - عراقی - بازگشت ادبی - ساده‌نویسی
(۴) دوره سامانی - غزنوی و سلجوقی اول - سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان - عراقی - بازگشت ادبی - ساده‌نویسی

۶۴۷- در کدام گزینه ویژگی زبانی شعر سبک ترکستانی وجود دارد؟

(۱) آن که در باطن ما کرد دو عالم ظاهر
(۲) توحید تو خواند به سحر مرغ سحرخوان
(۳) یکی که تیغ بود زو به دست شاه اندر
(۴) منشور شود گوهر منظوم ثریا

۶۴۸- در بیت زیر کدام ویژگی فکری سبک خراسانی محسوس تر است؟

«گل بخندید و باغ شد پدرام
(۱) تسلط روح حماسه بر بیت
(۲) ای خوشا این جهان، بدین هنگام»
(۳) استفاده از آرایه‌های ادبی در حد اعتدال
(۴) جنبه علمی و دستوری داشتن اشعار پندآموز
(۴) غلبه روح شادی و خوش‌باشی

۶۴۹- در کدام گزینه، حذف فعل به قرینه صورت نگرفته است؟

(۱) ابتدا کردم به هندسه سپس به شمار سپس به صورت عالم سپس به احکام نجوم، ازیراک مردم چهار علم به تمامی نداند.
(۲) اگر بیسط را نهایت باشد، آن نهایت او ناچاره خطی باشد و آن خط طولی باشد بی‌عرض.
(۳) و این یادگار هم‌چنین کردم مر ریحانه بنت الحسین خوارزمی را که خواهنده او بود و صورت‌بستن آن آسان‌تر.
(۴) سیاس و آفرین مر خدای کامران و کامکار را آنکش نه همتا و نه انباز و نه دستور و نه زن.

۶۵۰- ویژگی نوشته‌شده در مقابل کدام گزینه صحیح نیست؟

(۱) خسرو پرسید که همه‌چیز پس که داند؟ بوذرجمهر گفت: «همه‌چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.» (بهره‌گیری از تمثیل)
(۲) و او را ستونی باشد قاعده آن مخروط. و آن ستون یکی باشد و سر مخروط او نیز راست بود. (کوتاهی جملات)
(۳) و بوبکر حصیری برسد و نامه‌های توقیعی مرا داد و گفت بستان که رقع‌هاست از غزنین. (اطناب)
(۴) بیستم صفر به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریور قدیم بود؛ شهری آبادان. مرا حکایت کنند که بدین شهر زلزله افتاد. (حذف افعال به قرینه)

۶۵۱- در کدام گزینه، به نام شاعری اشاره شده که عبارات زیر از خصیصه‌های شعر اوست؟

«کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات در مقایسه با دوره بعد - قافیه و ردیف ساده - کمی لغات عربی و بیگانه»

- ۱) گیرم که خود عراقی، شکرانه جان فشاند
- ۲) در همه‌جایی سنایی چاکر و مولای توست
- ۳) حنظله‌وار آمده‌ام بر درت ای میر
- ۴) سعدی از آن‌جا که فهم اوست سخن گفت

۶۵۲- آثار گزینه به ترتیب نمونه‌هایی از «نثر غزنوی و سلجوقی - شعر سبک ترکستانی - نثر سامانی و شعر سامانی» است؟

- ۱) قابوس‌نامه - شاهنامه ابومنصوری - تفسیر طبری - دیوان رودکی
- ۲) کیمیای سعادت - دیوان عراقی - التفهیم - دیوان فرّخی
- ۳) سیاست‌نامه - شاهنامه - تاریخ بلعمی - دیوان رودکی
- ۴) کشف‌المحجوب - دیوان ناصر خسرو - تاریخ بیهقی - اشعار شهید بلخی

۶۵۳- کدام گزینه از ویژگی‌های ادبی سبک خراسانی است؟

- ۱) واقع‌گرا بودن شعر
- ۲) ساده‌بودن قافیه و ردیف
- ۳) حاکم‌بودن روح حماسه
- ۴) استفاده از متقم دو حرف اضافه

۶۵۴- در ابیات زیر، کدام ویژگی شعر سبک خراسانی یافت نمی‌شود؟

«یارم سپند گرچه بر آتش همی فکند از بهر چشم تا نرسد هر ورا گزند

او را سپند و مجمر ناید همی به کار با روی همچو آتش و با خال چون سپند»

- ۱) استفاده از تشبیه حتی
- ۲) کمی لغات عربی و بیگانه
- ۳) استفاده از دو نشانه برای متقم
- ۴) زمینی‌بودن معشوق

۶۵۵- کدام گزینه درباره سبک خراسانی نادرست است؟

- ۱) سبک بینابین به سبک دوره سلجوقی گفته می‌شود؛ زیرا ویژگی‌های سبک عراقی نیز در آن به چشم می‌خورد.
- ۲) رودکی و فردوسی از جمله شعرای معروف این دوره‌اند که هنوز فکر و کلامشان با پیچیدگی‌های عرفانی، حکمی و فلسفی آمیخته نشده است.
- ۳) سبک خراسانی، سبک آثار نخستین نظم فارسی، بعد از اسلام، ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ است.
- ۴) قالب‌های مثنوی، مسقط و ترجیع‌بند به تدریج در سبک شکل می‌گیرد و قالب غزل در اوایل این دوره رشد می‌یابد.

۶۵۶- اگر بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب ویژگی‌های زیر مرتب کنیم، کدام گزینه صحیح است؟

«معشوق زمینی - کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات - استفاده از تشبیه حسی - متقم دو حرف اضافه - تفاوت تلفظ برخی از واژه‌ها»

الف) بدان زمانه ندیدی که در جهان رفتی

ب) روی او ماه است اگر بر ماه مشک افشان شود

پ) باده بردست و همچون به فلک بر خورشید

ت) الم از دل‌ها برگیرد و نابود هگرز

ث) مرا بتی است که بر روی او به آذرماه

- ۱) پ - ت - ب - الف - ث
- ۲) ب - ت - ث - پ - الف
- ۳) ث - ت - پ - الف - ب
- ۴) ث - ت - ب - پ - الف

۶۵۷- هنگام مطالعه کشف‌المحجوب، اثر جلالی هجویری، انتظار رویارویی با کدام خصیصه نثر را نداریم؟

- ۱) حذف افعال به قرینه
- ۲) استشهاده به آیات و احادیث و اشعار عرب
- ۳) تکرار فعل و اسم به حکم ضرورت معنی
- ۴) جمله‌های طولانی و اطناب

۶۵۸- در هر یک از ابیات زیر به ترتیب کدام ویژگی سبک خراسانی مشهودتر است؟

الف) شاد زی با سیه‌چشمان شاد

ز آمدن شادمان نباید بود

ب) گویند که معشوق تو زشت است و سیاه

من عاشقم و دلم بدو گشت تباه

پ) من موی خویش را نه از آن می‌کنم سیاه

چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیه کنند

- ۱) قالب مثنوی - سادگی فکر و کلام - کمی لغات عربی و بیگانه
- ۲) غلبه روح خوش‌باشی - معشوق زمینی - سادگی زبان شعر
- ۳) سادگی زبان شعر - دو نشانه برای متقم - مضمون اندرزی
- ۴) استفاده از قافیه ساده - سادگی زبان شعر - معشوق زمینی

۶۵۹- ویژگی‌های نوشته‌شده در مقابل کدام عبارت دوره سامانی نادرست است؟

- ۱) و چون مردم بدانست که از وی چیزی نماند پایدار، بدان کوشد تا نام او بماند و نشان او گسسته نشود. (بهره‌گیری کم‌تر از لغات عربی)
- ۲) پس امیرسعد نصر بن احمد، این سخن بشنید، خوش آمدش. دستور خویش را بر آن داشت تا این سخن را به زبان پارسی گردانید. (اطناب)
- ۳) عدد ناقص آنست که جزو هاشم جمله کنی از وی کم باشد در عددها که اصل قاعده است. (افزایش یافتن نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی)
- ۴) و آنک میان جنوب و مغرب است، غربی جنوب بود و آنک میان مغرب و شمال است، غربی شمالی بود. (تکرار فعل و اسم به حکم ضرورت معنی)

۶۶۰- اگر بخواهیم شعر فارسی را براساس نظریه بهار به ترتیب بیاوریم، کدام گزینه درست است؟

- ۱) سبک خراسانی - هندی - عراقی - بازگشت - مشروطه - معاصر
- ۲) سبک ترکستانی - هندی - عراقی - مشروطه - بازگشت - معاصر
- ۳) سبک ترکستانی - عراقی - هندی - بازگشت - مشروطه - معاصر
- ۴) سبک خراسانی - عراقی - هندی - مشروطه - بازگشت - معاصر



پایهٔ هم قرابت و ارتباط معنایی

۸۲۷- کدام گزینه با ابیات زیر قرابت معنایی کم‌تری دارد؟

«مهوری گر به کام شیر در است
یا بزرگی و عز و نعمت و جاه
(۱) چو نی‌شکر اگرت خوشدلی همی‌باید
(۲) کلاه ملک طلب می‌کنی قبا در بند
(۳) نهان شد از من بیچاره راز محنت او
(۴) کسی به گردن مقصود دست حلقه کند

شو، خطر کن ز کام شیر بجوی
یا چو مردانت جنگ رویاروی،
ز پای تا به سرت در کمر تواند بود
که سرفرازی در بیم سر تواند بود
قضای بد به همه کس گذر تواند بود
که پیش تیر بلاها سپر تواند بود

۸۲۸- مفهوم کدام گزینه با ابیات زیر تناسب دارد؟

«ایل‌هی دید آشت‌تری به چرا
گفت اشتر که اندرین پیکار
در کژی‌ام مکن به عیب نگاه
(۱) از چو منی صید نیاید هوا
(۲) میدان بد هر آن بدنمایی که هست
(۳) پشتی ضعیف بودت این روزگار، چون دی
(۴) هر که جان بدکنش را سیرت نیکی دهد

گفت نقش‌ت همه کژ است چرا؟
عیب نقاش می‌کنی هشدار!
تو ز من راه راست رفتن خواه،
زشت بود شیر شکار شگال
که آن نیز نیکوست جایی که هست
طاووس‌وار بودی امروز خارپشتی
زشت را نیکو کند بل دیو را حورا کند

۸۲۹- هیچ گزینه‌ای با بیت زیر ارتباط معنایی ندارد به‌جز

«مهوری گر به کام شیر در است
(۱) سرفرازه چونیزه هر مردی
(۲) نگرده نرد نردم جز به غربت
(۳) مهتر نشود گرچه قوی گردد کهتر
(۴) گر کسی خویشتن خویش به چه درفکند

شو خطر کن ز کام شیر بجوی،
که میان جنگ را چو نیزه بیست
نگیرد قدر باز اندر نشیمن
گاهی نشود گرچه هنر دارد چاهی
خویشتن خیره در آن چاه نایب‌ت فکند

۸۳۰- همهٔ گزینه‌ها به‌جز با بیت زیر تناسب مفهومی دارند.

«نقش‌م از مصلحت چنان آمد
(۱) نی که تهی روید از خاک رود
(۲) وگر درنیابد گرم‌پیشه نان
(۳) سیه‌مار کز کفچه شد زهرسج
(۴) اهل هنر گر به شماری درند

از کژی، راستی کمان آمد،
گر ندمد باد سرآید سرود
نهادش توانگر بود هم‌چنان
زر پخته هم بخشد از دیگ گنج
بی‌هنران نیز به کاری درند

۸۳۱- پیام ابیات زیر با مفهوم کدام گزینه دقیقاً مشترک است؟

«گل سوری به دست باد بهار
که تو را با من از مناظره‌ای است
(۱) وان بنفشه چون عدوی خواجه نگون
(۲) زردگل بینی، نهاده روی را بر نستر
(۳) المئنة لئله که این ماه خزانست
(۴) آمده باد ربیع سرخ‌گلی را گرفت

سوی باده همی‌دهد پیغام
من به باغ آمدم به باغ خرام،
سر به زانو بر نهاده، رخ به نیل آندوده باز
نسترن بینی، گرفته زردگل را در کنار
ماه شدن و آمدن راه ززانست
راست چو معشوقکان هم‌سخن جام کرد

۸۳۲- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

«مرا بسود و فروریخت هر چه دندان بود
(۱) چو مشک ما همه کافور شد از سردی عالم
(۲) بهاری بود و ما را هم شبابی و شکرخوایی
(۳) هر چند که پیر و خسته‌دل و ناتوان شدم
(۴) جوانی را ز کف داده‌ام رایگانی

نبود دندان لا بل چراغ تابان بود،
جوانان را ز ما دل‌سرد شد، کو آن جوانی‌ها
چو غفلت داشتیم ای گل شبخون جوانی را
هرگه که یاد روی تو کردم جوان شدم
کنون حسرت برم روز و شب بر جوانی

۸۳۳- مفهوم کدام بیت با سه بیت دیگر هم‌خوانی ندارد؟

(۱) تا چشم گشودیم در این باغ چو گل
(۲) هیچ دانی روزگار حیل‌گر با من چه کرد
(۳) وا عزیزا گویی آخر گر عزیزت مرده باشد
(۴) مخور جمله ترسم که دیر ایستی

هفتاد و دو سال زندگانی بگذشت
سال‌ها عمر عبث داد و جوانی را گرفت
من چرا از دل نگویم وا جوانی و جوانی
مصیبت بسود پیری و نیستی



پایه یازدهم قرابت و ارتباط معنایی

۸۷۰- کدام گزینه با دو بیت زیر ارتباط معنایی ندارد؟

- «محترم آن گهی تواند بود
وان که محتاج خلق شد خوار است»
- ۱) کسی که عزت عزلت نیافت هیچ نیافت
۲) بر مال و جمال خویشتن، غرّه مشو
۳) چنین بود تا بود این تیرمروز
۴) مرو به خانه ارباب بی‌مرّت دهر
- ۸۷۱- مفهوم «هر چه از دوست می‌رسد، نیکوست» در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه یافت می‌شود.
- که از ایشان به مالش استغناست
گرچه در علم بوعلی سیناست»
(عزالت: گوشه‌نشینی)
- کسی که روی قناعت ندید هیچ ندید
این را به شی برند و آن را به تبی
تو دل را به از فزونی مسوز (از: طمع)
که گنج عافیت، در سرای خویشتن است

۸۷۲- کدام بیت با سایر گزینه‌ها قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) مرا جفا و وفای تو پیش یکسان است
۲) از دست دوست هر چه ستانی شکر بُوَد
۳) شربت از دست دلارام چه شیرین و چه تلخ
۴) دوستان و دشمنان را آب آتش فعل باش
- آن مرغ خوشدلی که تو دیدی پرید و رفت
هرگز نبود دور زمان بی‌تبدلی
هم به بد خویش گرفتار شد
بدو دل سپردن سزاوار نیست
- ۸۷۳- مفهوم بیت زیر با همه گزینه‌ها به‌جز گزینه ارتباط معنایی دارد.
- اکنون به داغ صد غم و صد محنتم اسیر
دل در جهان مبتد که با کس وفا نکرد
هر که بدی کرد و به بد یار شد
جهان را نمایش چو کردار نیست

۸۷۴- مفهوم نهایی دو بیت زیر با کدام گزینه یکسان است؟

- «عاشق یک‌رنگ و حقیقت‌شناس
نیست به‌جز عشق در این پرده کس»
- ۱) چون به عشق‌اند عاشقان زنده
۲) عشق از اول سرکش و خونی بُوَد
۳) جهان عشق است و دیگر زرق‌سازی
۴) تو پنداری به‌جز راه تو راهی نیست سوی حق
- گفت که ای محو امید و هراس
اول و آخر همه عشق است و بس»
(زرق‌سازی: ریاکاری)
- ما نمیریم در زمانه عشق
تا گریزد هر که بیرونی بود
همه بازی است الا عشق‌بازی
دلت در پرده پندار از این پندار افتاده

۸۷۵- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) خدا کشتی آن‌جا که خواهد بَرزد
۲) قسمی که مرا نیافریدند
۳) ای گل تو دوش داغ صبحی کشیده‌ای
۴) قضا دگر نشود گر هزار ناله و آه
- اگر ناخدا جامه بر تن دزد
گر سعی کنم می‌شرم نیست
ما آن شقایقیم که با داغ زنده‌ایم
به شکر یا شکایت برآید از دهنی

۸۷۶- مفهوم نهایی بیت زیر از کدام گزینه دور است؟

- «گر رنج پیشت آید وگر راحت، ای حکیم
جام می و خون دل هر یک به کسی دادند
اگرچه مستی عشقم خراب کرد، ولی
در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود
دلا مثال ز بیداد و جور یار که یار
- نسبت مکن به غیر که این‌ها خدا کند»
در دایره قسمت اوضاع چنین باشد
اساس هستی من زان خراب‌آبادست
کاین شاهد بازاری وان پرده‌نشین باشد
تورا نصیب همین کرد و این از آن دادست



۸۲۷- گزینه ۳ مفهوم مشترک بیت‌های صورت سؤال و ۱، ۲ و ۴

هفت بلند و گذر از سختی‌ها و خطر برای رسیدن به بزرگی است
اذا مفهوم بیت ۳ به «تقدیر و سرنوشت بد شاعر» اشاره می‌کند.

۸۲۸- گزینه ۲ مفهوم ابیات صورت سؤال به این نکته اشاره می‌کند
که به هر پدیده زشتی نباید زشت نگریست، شاید در او نیگویی،
خوبی و زیبایی هم نهفته باشد. نظیر این مفهوم در ۲ دیده می‌شود.
مفهوم گزینه‌های دیگر:

۱ بلندهفتی (شاعر خود را بلندهمت می‌داند) ۳ ناپایداری دنیا و
زیبایی‌های دنیایی ۴ توصیه به انجام‌دادن کارهای نیک

۸۲۹- گزینه ۱ بیت صورت سؤال و ۱، رسیدن به بزرگی و تعالی را
در گرو خطر کردن و سختی کشیدن می‌دانند.

معنای سایر بیت‌ها:

۲ دوری از وطن سبب قدر و ارزش یافتن انسان می‌شود.
۳ ملاک، گذشته افراد است. انسان کم‌ارزش هر چند به مقامی

برسد، باز ارزش و قدر واقعی پیدا نمی‌کند.
۴ اگر کسی وجود خود را به خواری و ذلت افکند، نباید دنباله‌رو او

شد؛ زیرا سبب خواری و ذلت می‌شود.
۸۳۰- گزینه ۲ مفهوم بیت ۲ «اصالت ذات» است. معنی بیت: کسی
که ذات بخشنده داشته باشد، در نهایت تنگدستی نیز به پستی و

حقارت کشیده نمی‌شود.
مفهوم بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها: هر پدیده‌ای که ظاهری

زشت و ناسزاوار دارد، در او هنر و قابلیت هم نهفته است و خداوند
آن را بر کاری خلق نموده است.

۸۳۱- گزینه ۴ بیت‌های صورت سؤال به شکوفایی گل سرخ در بهار،
نشاط طبیعت و ترغیب به شراب‌نوشی اشاره می‌کند. تصویر ارائه‌شده

در بیت ۴، با بیت‌های سؤال مشترک است.
مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ توصیف گل بنفشه، سر خمیده و رنگ کبود آن ۲ در کنار هم قرار
گرفتن گل زرد و گل نسترن در بهار ۳ توصیف پاییز و جلوه‌های آن

- ۸۳۲- گزینه ۳ مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و سایر گزینه‌ها «حسرت جوانی از دست رفته» است، اما در بیت ۳ شاعر می‌گوید: یاد معشوق، به عاشق پیر و فرتوت، حس جوانی می‌بخشد.
- ۸۳۳- گزینه ۴ مفهوم بیت‌های ۱، ۲ و ۳ «حسرت جوانی از دست رفته» است، اما در بیت ۴ شاعر به مخاطب می‌گوید هر چه نعمت داری، از آن استفاده نکن؛ زیرا اگر در پیری، بی‌مایه و فقیر شوی، گذران زندگی بسیار سخت خواهد بود.

- ۸۷۰- **گزینه ۲** مفهوم مشترک بیت‌های صورت سؤال و ۱، ۳ و ۴: بر قناعت پیشگی و ترک حرص و آز و پرهیز از پذیرش چیزی از دیگران است. **مفهوم ۲**: جمال و مال دنیایی، ناپایدار است. (دل‌نیستن به دنیا و وابسته‌های آن)
- ۸۷۱- **گزینه ۴** مفهوم ۴: با نیکخواهان و دوستان نرمی و مدارا کن و با دشمنان و بداندیشان تندی و خشونت.
- ۸۷۲- **گزینه ۳** مفهوم مشترک ۱، ۲ و ۴: ناپایداری جهان و اوضاع زمانه و دل‌نیستن به آن
- مفهوم ۳**: بدی هر کس به خودش برمی‌گردد.
- ۸۷۳- **گزینه ۱** مفهوم ۱: طلب کردن چیزی از کسی / تقاضا داشتن شاعر در صورت سؤال می‌گوید: هر کس که به مردم نیازمند باشد، خوار و بی‌قدر می‌گردد. این مفهوم (قناعت‌ورزی) در ۲، ۳ و ۴ یافت می‌شود.
- ۸۷۴- **گزینه ۳** مفهوم نهایی دو بیت صورت سؤال و ۳: تنها حقیقت جهان، عشق است و جهان حقیقی در عشق به یار خلاصه می‌شود. **مفهوم دیگر گزینه‌ها**:
- ۱) جاویدان بودن عشق ۲) راه عشق، خونین است. ۴) غرور و گمان باطل، مانع رسیدن تو به خداست.
- ۸۷۵- **گزینه ۳** مفهوم مشترک دیگر گزینه‌ها اعتقاد به قضا و قدر است؛ یعنی همه‌چیز از پیش تعیین شده است و حال و کار آدمی در دست خداست.
- مفهوم ۳**: ازلی بودن عشق
- ۸۷۶- **گزینه ۲** مفهوم بیت سؤال و ۱، ۳ و ۴ بر محور «قضا و قدر» می‌گردد؛ یعنی سرنوشت آدمی از دیوان قسمت و قضا و قدر، همین است و بس. اعتقاد به قضا و قدر یا به تعبیر دیگر «جبرگرایی» از اندیشه‌های محوری سبک عراقی است.
- مفهوم ۲**: اساس هستی عاشق، در مستی حاصل از عشق است. **معنی بیت**: اگرچه سرمستی از شراب عشق، بنیاد خودپرستی مرا ویران ساخت، اما بقای جاودانی من از این ویرانی است که به حقیقت عین جاودانگی است.